

در انتظار حکم دادگاه میکونوس علیه رهبران جمهوری اسلامی

● وزارت امور خارجه آلمان به شهروندان این کشور توصیه کرد سفر به ایران را به تأخیر بیندازند

اسلامی به صدور دستور قتل رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در سپتامبر سال ۹۲ در رستوران میکونوس برلین منتهی شده‌اند. رهبران جمهوری اسلامی تاکنون برای جلوگیری از بررسی پرونده و صدور رای دادگاه به هرگونه کارشناسی و ترفند دست زده‌اند و فلاحیان په استاد اظهارات آشمت پاور رسماً از دولت آلمان خواست که از صدور رای این کیفرخواست، رهبران جمهوری

دادستان دادگاه بر اساس مدارک پلیس، اظهارات شهود، اعترافات متهمان و تحقیقات دیگر برای کاظم دارابی و عباس رایل تقاضای اشد مجازات کرده است. برای سه لسانی دیگر در کیفرخواست دادستان، زندانهای طویل‌المدت تقاضا شده است. دادستان پرونده میکونوس در کیفرخواست خود از دادگاه خواسته است تروریسم دولتی محکوم شود. در این کیفرخواست، رهبران جمهوری

سرتاجام بعد از چهار سال، دادگاه میکونوس پایان می‌یابد و دادستان کل آلمان فدرال اعلام کرد که رای نهایی دادگاه روز پنجشنبه هفته جاری ۲۱ فروردین صادر خواهد شد. در دادگاه میکونوس برلین، کاظم دارابی عضو وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، عباس رایل عضو حزب‌الله لبنان و سه لسانی دیگر به اتهام قتل صادق شرفکندی و یارانش محاکمه شدند.

گزارش دوم موريس کاپیتورن در باره حقوق بشر در ایران



کامل آن را در دو شماره نشریه کار درج می‌کنیم. بخش اول این گزارش در صفحات ۶ و ۷ نشریه درج شده است.

● نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در جریان تهیه این

گزارش از سوی جمهوری اسلامی اجازه دیدار از ایران را نیافت

● جمهوری اسلامی به شدت به دومین گزارش کاپیتورن حمله کرد

و آن را تحت تأثیر نیروهای اپوزیسیون دانست

موريس کاپیتورن نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران، اخیراً دومین گزارش خود را در باره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ارائه داده است. نظر به اهمیت زیاد این گزارش، ترجمه

مأموران رژیم، ابراهیم زال زاده سردبیر نشریه معیار

و مدیرانتشارات بامداد و ابتکار را به قتل رساندند

● ابراهیم زال زاده از روز پنجم اسفند ناپدید شده بود

● مأموران رژیم به او گفته بودند که دیگر نمی‌توانند او را تحمل کنند

جایی که گمان بردند نشانهای از او بیابند، سر زدند. همه این ارگان‌ها نه تنها اظهار بی‌اطلاعی کردند بلکه مأموران امنیتی به خانواده‌اش هشدار دادند که خبر ناپدید شدن زال زاده نباید علنی شود. به روزنامه‌های داخلی نیز دستور دادند از چاپ هر گونه خبر حتی به صورت آگهی مفقودین و یا چاپ عکس «یک جسد ناشناس» خودداری کنند.

پنج روز پس از ربوده شدن زال‌زاده، ماشین‌سواری او در یکی از محلات تهران پیدا شد. همان روز و روزهای بعد اعضای خانواده‌اش مکرر

ابراهیم زال‌زاده نویسنده، روزنامه‌نگار، سردبیر مجله معیار، مدیر انتشارات بامداد و ابتکار دچار همان سرنوشتی شد که چند ماه پیش بر سر همکارانش احمد میرعلایی و غفار حسینی آمد. مأموران امنیتی جمهوری اسلامی روز پنجم اسفند زال زاده را هنگامی که از محل کارش در مرکز شهر تهران عازم خانه‌اش در ولنجک بود، ربودند و به طرز فجیعی با ضربات

رفسنجانی از آمریکا خواست

برای مذاکره پیشقدم شود

● رفسنجانی: اگر آمریکا حسن نیت نشان دهد راه مذاکره هموار می‌شود

دارایی‌های مسدود شده ایران را به عنوان یکی از شروط جمهوری اسلامی مطرح می‌کرد اینبار تلاش کرد به سیاستمداران آمریکا بفهماند که آزادی اسواول مسدود شده جنبه سمبلیک دارد و مبلغ آن مهم نیست و میزان آن را آمریکا می‌تواند تعیین کند. رفسنجانی در پاسخ به این سؤال که جمهوری اسلامی تا چه اندازه در تعیین شرایط مذاکرات جدی است، گفت: «این علامت حسن نیت است. ما این را به عنوان یک دلیل می‌دانیم. شما می‌توانید چیز دیگری را به عنوان یک نشانه انتخاب کنید». رفسنجانی افزود: «بین ما مسئله مهم عدم اعتماد است. مسائل هیجانی و موارد دیگر برای ما اهمیتی ندارد. اگر آمریکا بتواند اعتماد ما را جلب کند آن چیزی ادامه در صفحه ۳

مایک والاس خبرنگار شبکه تلویزیونی سی.بی.اس آمریکا هفته گذشته در تهران با هاشمی رفسنجانی مصاحبه‌ای انجام داد که گزارش و فیلم آن از تلویزیون آمریکا و شبکه اول تلویزیون ایران پخش شد. سخن اصلی مایک والاس رابطه جمهوری اسلامی و آمریکا بود و می‌خواست بداند که در چه شرایطی طرفین پای میز مذاکره علنی می‌نشینند. رفسنجانی لحن تند نیوت گینگریچ رئیس مجلس نمایندگان آمریکا و ناطق نوری را در مناسبات طرفین را «بی‌ادبانه» توصیف کرد و گفت: «بهر این است که به جای فحاشی حرف‌ها را با استدلال و منطق بزنیم» و تأکید کرد اگر آمریکا «حسن نیت» نشان دهد راه مناسبات را هموار می‌کند. رفسنجانی که تاکنون آزاد کردن

از پزشکی قانونی هراغ جسد وی را گرفتند. ۳۴ روز بعد از ربوده شدن، مأموران امنیتی به خانواده زال‌زاده خبر دادند که جسد او را در بیابانهای یافت‌آباد کشف کرده‌اند. ۵ روز در پزشکی قانونی بوده و بعد به خاک سپرده شده است. در برابر این پرسش که کی کشته، چرا کشته و کجا به خاک سپرده شده است، ابتدا از دادن پاسخ طفره رفتند و چون راه گریزی نداشتند، گفتند که جسد اصلاً به خاک سپرده نشده است. و وعده دادند که جسد زال‌زاده را به خانواده‌اش تحویل دهند. ادامه در صفحه ۲

رفیق کیومرث قلی‌زاده از میان ما رفت

در صفحه ۲

استمداد فوری حزب دمکرات کردستان ایران

جمهوری اسلامی را بخاطر ارتکاب آن محکوم کنند.

از روزنامه‌نگاران خارجی و نمایندگان کمیته دفاع از حقوق بشر دعوت می‌کنیم به بیمارستانهای بغداد بروند و از قربانیان آخرین جنایت رژیم ایران فیلم و رپرتاژ تهیه نمایند. اگرچه پزشکان و بیمارستانهای بغداد همه امکانات خویش را در راه نجات بیماران به کار بسته‌اند و از این بابت از آنان تشکر می‌کنیم، اما با توجه به محاصره اقتصادی چند ساله عراق و بعثت کمبود امکانات درمانی، از محافل و سازمانهای خیریه پزشکی و درمانی تقاضا می‌کنیم فوراً به یاری مسموم‌شدگان بشتابند و در نجات زندگی آنان بکوشند.

امیدواریم این تازه‌ترین جنایت رژیم ایران، محرک دیگری باشد تا دادگاه برلین حکمی عادلانه و مسئولانه را در مورد طراحان ترور ۱۹۹۲ برلین، یعنی مقامات طراز اول جمهوری اسلامی صادر نماید. در انتظار اقدامی فوری و کارساز

دفتر سیاسی
حزب دمکرات کردستان ایران
۱۳۷۶/۱/۱۷ (۱۹۹۷/۴/۶)

اعزام شده، به کمک هلال احمر عراق در بیمارستانهای این شهر بستری گردیدند.

با انجام آزمایشهای لازم تشخیص داده شده که رفقای میزبور بوسيله ماده سمی بسیار خطرناک تالیوم مسموم شده‌اند. هم‌اکنون بیش از شصت تن از این مصدومین در بیمارستانهای بغداد بستری هستند و در معرض خطر مرگ قرار دارند.

با توجه به اینکه طی چند سال گذشته بارها توطئه رژیم جمهوری اسلامی ایران برای مسموم کردن مبارزان دمکرات توسط ارگانهای حزب کشف شده و هربار معلوم گردیده است که عاملان جنایت تروریهستهای وابسته به جمهوری اسلامی هستند و نیز با یادآوری این حقیقت که پانزده سال گذشته سه تن از فعالان حزب توسط مزدوران رژیم بوسيله سم تالیوم مسموم شدند که در نتیجه دو تن از آنان شهادت رسیدند، تردیدی نیست که این اقدام ضدانسانی نیز توسط عمال جمهوری اسلامی به مورد اجرا درآمده است. در این رابطه:

از عموم محافل مدافع حقوق بشر می‌خواهیم صدای اعتراض خود را علیه این جنایت بلند نمود، رژیم

در آخرین لحظاتی که صفحات نشریه بت می‌شد، اطلاعیه زیر از سوی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران به دستمان رسید که در زیر متن آن را به چاپ می‌رسانیم:

سازمانها و محافل مدافع حقوق بشر در جهان!

سازمانهای خیریه پزشکی و درمانی! در آستانه صدور حکم نهایی دادگاه برلین در مورد پرونده ترور دکتر صادق شرفکندی دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران و یارانش، رژیم جمهوری اسلامی ایران جنایت سہمناک جدیدی آفرید.

اواسط هفته گذشته بیماری فراگیری در میان شماری از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران که در منطقه بازیان واقع در استان سلیمانیه کردستان عراق سکونت دارند، بروز کرد. عده زیادی از بیماران روانه بیمارستانهای شهر سلیمانیه گردیدند. لیکن بعثت نبود امکانات لازم، بیمارستانهای این شهر موفق نشدند اقدام موثری در جهت علاج بیماران و یا تشخیص بیماری آنان بعمل بیاورند. لذا تسدیجا همه آنها به بغداد

توطئه کشتار نویسندگان و هنرمندان مستقل

ابراهیم زال‌زاده نویسنده و روزنامه‌نگار در راه بازگشت از محل کار به خانه توسط عوامل وزارت اطلاعات ربوده شد و بطرز فجیع به قتل رسید. با این قتل به لیست نویسندگان سر به نیست شده نویسنده دیگری اضافه شد. سه سال قبل سعیدی سیرجانی بازداشت شد و در زندان درگذشت. بدنبال آن احمد میرعلایی مترجم مشهور ناپدید شد و بعداً جسد غفار حسینی (مترجم) در خانه‌اش یافته شد. جسد احمد تقضلی معاون فرهنگسرای زبان‌های ایران در صندوق عقب اتومبیلش پیدا شد. در تمام موارد قتل‌ها با صحنه‌های خودکشی، تصادف اتومبیل و مشروب‌خواری آرایش داده شده بود.

سر به نیست کردن نویسندگان، توطئه‌ای برای کشتن جمعی آنها، توطئه علیه فرج سرکوهی و بازداشت او نشان از برنامه وسیع و سازمان یافته رژیم اسلامی و بویژه وزارت اطلاعات علیه نویسندگان و هنرمندان مستقل است. دستگیری فرج سرکوهی اعتراض وسیع و بی‌سابقه‌ای را در سطح جهانی برانگیخت و به حمایت گسترده‌ای از نویسندگان مستقل انجامید. بنظر می‌رسد که این فشارها موجب شود که رژیم کشتار نویسندگان و توطئه علیه آنان را موقتاً به تأخیر اندازد تا آنها از آسیاب بیافتند.

اما ربودن زال‌زاده و سر به نیست کردن او، حاکی از ابعاد وسیع برنامه‌های رژیم و تصمیم قطعی آن برای پاک کردن حیات فرهنگی کشور از هر ندای آزادی‌طلبانه در صفوف نویسندگان و هنرمندان دگراندیش است.

با نگاه به اقدامات رژیم اسلامی در طی دو سال اخیر، می‌توان گفت که برنامه از بین بردن نویسندگان و هنرمندان دگراندیش در دستور کار قرار گرفته است. همان برنامه‌ای که در مورد سازمان‌های سیاسی و زندانیان سیاسی باجرا گذاشته شد. رژیم حاکم در اوایل دهه ۶۰ هزاران نفر از فعالین سیاسی مخالف را اعدام کرد و یا در درگیریها به قتل رساند، هزاران نفر را به زندان انداخت و دهها هزار نفر از عناصر سیاسی را مجبور به ترک کشور و مهاجرت کرد و در سال ۶۷ هزاران زندانی سیاسی را قتل‌عام نمود و بدنبال آن برنامه ترور مخالفین را در خارج از کشور پیش برد. قصد گرداندگان رژیم از این وحشیگریها و کشتارها، پاک کردن صحنه سیاسی کشور از وجود نیروهای اپوزیسیون، «نسل‌کشی» عناصر سیاسی، خاموش کردن صدای مخالفین و ایجاد خفقان و اختناق در کشور بود.

اکنون حکومت اسلامی همین برنامه را در ابعاد کوچکتر و متناسب با شرایط کنونی در مورد نویسندگان و هنرمندان دگراندیش باجرا می‌گذارد. برنامه رژیم از یکسو ایجاد محدودیت در عرصه‌های مختلف هنری، اعمال سانسور شدید در انتشار کتاب، محدود کردن و بستن نشریات مستقل و از سوی دیگر سر به نیست کردن عده‌ای از ادامه در صفحه ۲

در این شماره

● در آستانه امروز

پژوهشی در سرنوشت
و سرنوشت
جهان بینی سوسیالیسم

امیر مُمبینی
صفحه ۸

● دشمن چه نام دارد؟

منوچهر جمالی
صفحه ۹

انتخابات ریاست جمهوری:

صف بندی بین روحانیت،
بازار و روشنفکران مذهبی
صفحه ۲

بلای خانمان سوز اعتبار را

چاره نهی اساسی باید
صفحه ۵

تحولات در روابط جمهوری اسلامی با کشورهای جنوب خلیج فارس

از هنگامی که کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به دنبال جنگ کویت و استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه، عملاً در خدمت سیاست «مهار دو جانبه» واشنگتن قرار گرفتند، روابط جمهوری اسلامی با این کشورها بار دیگر رو به تیرگی نهاد. اعضای «شورای همکاری خلیج»، در همه نشست‌های خود در سال‌های اخیر، با طرح مکرر مسئله سه جزیره مورد ادعای امارات، بیانیه‌هایی علیه تهران صادر کرده‌اند. آمریکا کمپاینی از این ادعاها حمایت کرده است و گوشیده است حکومت‌های سلطنتی شبه جزیره عربستان را هر چه بیشتر به سمت سیاست منطقه‌ای خود بکشاند. اکنون به نظر می‌رسد برای نخستین بار پس از آغاز این دوره از تیرگی روابط، در مناسبات جمهوری اسلامی با اعضای شورای همکاری خلیج، تحولاتی در جهت بهبود در حال شکل‌گیری است.

سفر ولایتی وزیر خارجه رژیم به امارات، بیانیه وزرای خارجه شورای همکاری خلیج در حمایت از «جهت‌گیری‌های جدید» در سیاست خارجی ایران و نیز بروز اختلاف بین آمریکا و عربستان در مورد نحوه پیگیری بصب‌گذاری سال گذشته در ظهران، از نشانه‌های این تحول است.

لازم به یادآوری است سال گذشته، ویلیام پری وزیر دفاع وقت آمریکا پس از انفجار بمب در مقابل مقر سربازان آمریکایی در ظهران عربستان که از نظامیان آمریکایی تعدادی قربانی گرفت، از دخالت جمهوری اسلامی در این بمب‌گذاری و قریب‌الوقوع بودن ضربه نظامی انتقامی آمریکا علیه حکومت تهران نام برد. هرچند پری ناچار شد بلافاصله سخن خود را پس بگیرد و بگوید دست داشتن حکومت اسلامی در حادثه ظهران، مسجل نیست، اما در طول ماه‌های گذشته، آمریکا همواره کوشیده است از تحقیقات پیرامون بمب‌گذاری ظهران، نتیجه‌گیری صریحی به سود سیاست اعمال فشار بیشتر علیه جمهوری اسلامی حاصل شود، و در این روند عربستان نیز ناگزیر از اقدامات معینی علیه حکومت تهران گردد.

ظاهراً حکام عربستان تصمیم گرفته‌اند اگر هم شواهدی دال بر دخالت تهران در بمب‌گذاری ظهران به دست آید، این دخالت را مکتوم نگه دارند. درباره انگیزه آنها در این رخس، تنها می‌توان به حدس و گمان پرداخت، اما در اینکه چنین تصمیمی در ریاض گرفته شده است، تردیدی نیست. ماجرا از آنجا آغاز شد که عربستان از چند ماه پیش حاضر نشد تسلیم اصرار مقامات آمریکایی برای انتقال اطلاعات حاصل از تحقیقات درباره ماجرای ظهران شود. برخی رسانه‌ها از قول یک مقام عربستان در توجیه این خودداری از همکاری اطلاعاتی با آمریکا نوشتند که آمریکا میهمان عربستان است اما جمهوری اسلامی، همسایه‌ای است که عربستان باید ده‌ها سال در جوار آن زندگی کند.

محتمل‌ترین انگیزه‌ای که می‌توان برای حکومت عربستان در انتخاب مشی آشتی‌جویانه‌تری در قبال جمهوری اسلامی تصور کرد، مأیوس شدن اصرار از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکاست. واشنگتن در ماه‌های اخیر نشان داده است که اگر قرار بر انتخاب یک هم‌پیمان استراتژیک در منطقه باشد، این متحد دیرپا برای ایالات متحده، اسرائیل است نه هیچ کشور عربی. اسرائیل است که می‌تواند با سیاست خود، حتی دستاوردهای شش سال دیپلماسی آمریکا برای نزدیک کردن اعراب و اسرائیل را بر باد دهد و باز هم در شورای امنیت سازمان ملل، با وتوی آمریکا از محکوم شدن مصون بماند. می‌توان تصور کرد که درک این واقعیت، در تفکر واداشتن کشورهای عربی محافظه کار نسبت به سیاست منطقه‌ای آمریکا مؤثر بوده است.

چه این حدس درباره انگیزه سعودی‌ها و دیگر کشورهای «شورای همکاری خلیج» برای عوض کردن لحن در قبال تهران درست باشد یا نه، تحولات اخیر از دو زاویه قابل بررسی است: نخست از این زاویه که در قالب دو حکومت تهران و ریاض، دو استبداد مذهبی تاکنون رقیب و حتی متخاصم (در جنگ افغانستان، نیروهای مورد حمایت دو حکومت درگیر برخوردی خونین‌اند) به هم نزدیک می‌شوند و این نزدیکی در اظهارات اخیر ری شهری در عربستان حتی به عنوان گامی علیه «دشمنان اسلام» قلمداد می‌شود. این وجه از تحول، به خودی خود منفی است، چرا که در خدمت تحکیم بنیادگرایی حاکم در هر دو کشور قرار می‌گیرد. وجه دوم تحول اخیر، کاستن از تشنج در منطقه خلیج فارس است که تا چندی پیش، تا حد طرز امکان درگیری نظامی (با دخالت آمریکا) نیز پیش رفته بود. اگر این تشنج‌زدایی، واقعی باشد، این وجه از تحول را باید مثبت ارزیابی کرد. به سود هیچ یک از ملل منطقه نیست که یک رویارویی بین جمهوری اسلامی از یک سو، و کشورهای محافظه کار عربی با حمایت آمریکا از سوی دیگر شکل گیرد. آمریکا در این منطقه به دنبال چیزی جز محکم‌تر کردن جای پای خود و تضمین جریان نفت ارزان نیست. به ویژه در کشورهای جنوب خلیج فارس، دخالت آمریکا همواره در جهت مفایر یا گسترش دمکراسی و حقوق بشر و حاکم شدن مردم بر سوار خود بوده است. اگر حکومت‌های منطقه، تصمیم به ایفای نقش مستقل‌تری از سیاست‌های نظامی‌گرانه آمریکا بگیرند و در این راستا برای کاهش از تشنج در خلیج فارس بکوشند، این روند در خدمت منافع مردم همه کشورهای منطقه است.

رفیق کیومرث قلی‌زاده از میان ما رفت

گذشت. اما هنوز در دبیرستان بود که تحت تاثیر تینی چند از دبیران و همکلاسی‌های مترقی و آزادی‌خواه خود، خود را در برابر نظام دیکتاتوری و فاسد شاه یافت. در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه تبریز شد و چندی بعد در رابطه با گروهی که مسئولیت آن با رفیق مرضیه احمدی اسکویی مسئول وقت شاخه آذربایجان بود، به فعالیت سیاسی خود ادامه داد. در سال ۱۳۵۲ با حمله ساواک به این گروه دستگیر شد و به ۳ سال زندان محکوم گردید. او تا ماه‌های پیش از انقلاب، در زندان ماند. در دوره زندان، جزو شبکه مخفی سازمان در زندان بود و طی مدت محکومیت، برای ارتقا دانش سیاسی خود پیگیرانه تلاش کرد. کیومرث در ماه‌های انقلاب، جزو سازمانگران مبارزات مردم زادگاه خود علیه رژیم دیکتاتوری شاه و مبلغ و سازمانگر خستگی‌ناپذیر سازمان در رشت بود. پس از انقلاب، همراه ساتی چند از کادرهای سازمان، تشکيلات گیلان سازمان را سامان داد و مدت ۸ سال در رشد و قوام این بخش از سازمان نقش ایفا کرد. کیومرث در سال ۱۳۶۵ بازداشت شد و ۲ سال را در زندان گذراند، ولی بر اثر مساعی موثر

تصادفی از روی برنامه بوده است؟ کیومرث قلی‌زاده، از کادرهای موثر و سازمانگر تشکيلات ایالتی گیلان سازمان ما بوده و از سال‌های ۶۴-۱۳۶۶ مسئولیت این واحد سازمانی را برعهده داشت. او دو سال را در زندان‌های رژیم حاکم گذراند و با احتساب چهار سال اسارت در دوره رژیم شاه، ۶ سال از جوانی خود را در زندان‌های دو رژیم سپری کرد. کیومرث که زاده گیلان بود، دست‌کم برای روشنفکران و آزاداندیشان رشت و دیگر شهرهای استان گیلان چهره آشنا بود. او کودکی و نوجوانی را در آذربایجان گذراند و در سال‌های آغازین جنبش فدایی وارد دانشگاه تبریز شد و در همان‌جا با شاخه تبریز سازمان رابطه برقرار کرد و برای مبارزات آزادی‌خواه این دیار نیز نامی شناخته شده است. کیومرث یک کادر با سابقه سازمان ما بود و لاچرم همواره در معرض گزندهای وزارت اطلاعات رژیم قرار داشت. کیومرث قلی‌زاده فرزند یک خانواده درجه‌دار ارتشی و متولد سال ۱۳۲۹ بود. دوره کودکی وی در کوی درجه‌داران ارتشی و در محله‌های ماموریت‌های پدر از جمله پادگان بابک شهر سراب آذربایجان

خبر رسید که کیومرث ما بر اثر یک تصادف رانندگی در جاده انزلی - رشت جان سپرد. هنوز هم روشن نیست که وی قربانی یک سانحه رانندگی شده یا سانحه، وسیله قربانی کردن او شده است. البته حقیقتی است که در جاده‌های مرگبار ایران، همه‌روزه دهها نفر جان خود را از دست می‌دهند و شهیدان خبر مرگ و میر فراوان در جاده‌ها، به یک امر عادی بدل شده است. ولی به باور همگان ابراهیم تیره اختناق در کشور رو به گسترش است و هر روز باید انتظار ربه‌ده شدن، زیر مسائین رفتن، ناپدید گردیدن، خودکشی، مسمومیت و به جرم ناکرده متهم شدن دگراندیشان بود. وقتی که سردیر یک نشریه قسانونی به چنان بلائی دچار می‌آید؛ یک کارگر پالایشگاه به خاطر اعتراض به احجاف علیه حقوق مسلم صنفی‌اش زیر شکنجه به قتل می‌رسد؛ یک ناشر دارای مجوز قانونی کار در روز روشن سر به نیست می‌شود؛ یک امضاننده پای یک نامه سرگشاده ملایم به فلان ارگان، جان بر سر امضا می‌نهد؛ و... چرا نباید نزدیکان کیومرث بر این گمان قوی نباشند که مرگ وی نه ناشی از تصادف که قتل بر اثر ایجاد

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نگ بر رهبران جمهوری اسلامی

سر دبیر نشریه معیار و مدیر انتشارات...

مردم شریف ایران!

آقای ابراهیم زال‌زاده، روزنامه‌نگار کشور و سردبیر نشریه معیار، بدست مأمورین جمهوری اسلامی کشته شد. ابراهیم زال‌زاده ۳۴ روز پیش مخفیانه توسط مأمورین جمهوری اسلامی دستگیر شده بود. روز گذشته به خانواده ابراهیم زال‌زاده اطلاع داده شد که برای تحویل گرفتن جسد وی به سردخانه منتقل شده بود. چند روز پیش از آن به سردخانه منتقل شده بود.

ابراهیم زال‌زاده از روزنامه‌نگاران و نویسندگان آزاداندیش کشور، سردبیر نشریه معیار و مدیر مؤسسه انتشاراتی ابتکار و بامداد و مخالف راه و روش مسئولین جمهوری اسلامی بود.

کشتن ابراهیم زال‌زاده، روزنامه‌نگار، جنایت دیگری از مجموعه اقدامات جنایتکارانه و سرکوبگرانه اخیر جمهوری اسلامی علیه فعالین سیاسی، کارگران مبارز نفت و نویسندگان دگراندیش کشور است.

اعدام ۸ تن از زندانیان سیاسی قریب یکماه پیش، کشته شدن دو تن از کارگران نفت و ادامه توطئه‌ها علیه فرج سرکوهی از جمله نمونه‌های مشخص اینگونه اقدامات است. نحوه ربودن و کشتن ابراهیم زال‌زاده نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی توطئه سر به نیست کردن مخفیانه نویسندگان را کاملاً ادامه می‌دهد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نفرت و انزجار شدید خود را نسبت به رهبران جمهوری اسلامی اعلام داشته و مرگ آقای ابراهیم زال‌زاده را به خانواده و دوستان و همکاران نویسنده وی تسلیت می‌گوید و خود را در غم آنان شریک می‌داند.

هم میهنان مبارز

اعضا و هواداران سازمان

جنایات رژیم جمهوری اسلامی علیه جان انسانها و حقوق انسانی نباید بی پاسخ بماند.

برای مبارزه همبسته و یکپارچه علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی بکوشیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۰ فروردین ۱۳۷۶

هوشنگ گلشیری در خارج از کشور

یا نبوده و نیست شکل بدیهیم، تا دیگران ببینند و برگردند. حذف ما، کشتن قلم ما، قطع یخشی از اندام انسانی جهانی است. ما می‌خواهیم که این چند هزار کتاب ما، بی‌هیچ باد و مبادی منتشر شود. با این همه، پس از انتشار، هر اثر حاضریم در صورت ارتکاب جرم مطبوعاتی در هر دادگاه صالحی، با حضور هیأت منصفه مطبوعاتی غیروابسته به حکومت‌های وقت، محاکمه شویم. ما خواستار آنیم که کانون نویسندگان ایران آزادانه به فعالیت علنی بپردازد. دعا کنیم که عقل و تسامح بر جهان ما حاکم شود تا هیچ کجا قلم کسی را به جرم نوشته‌هایش نشکنند. خیالبازی را ممنوع نسازند، کلام را نکشند که جهان ما بی‌این خیالبازیه‌ها، بی‌رقص این کلمات، بی‌هنروازی این حروف، نه به گور یا سلول زندان که تنها به دلی می‌ماند که شعری خوانده باشد، قصه‌ای نشنیده باشد و بر مرگ آدمی، تیغه گیاهی حتی در داستانی، نگریسته باشد.

کرد. به همین دلیل است که باید در کنار نویسندگی مصری، الجزایری ایرانی و چینی ایستاد. ما نویسندگان ایران خواستار چاپ همه آثار همه نویسندگان، فارغ از باد و مباد سانسورچیانیم. التزام هر حکومتی را به آزادی حداقل، به همین میزان می‌توان سنجید. کتاب‌های ما چه تألیف و چه ترجمه و چه تحقیق در پشت درها مانده است، یا حتی در پشت ذهن‌ها مانده است اینجا هر صدای تلفن، هر صدای زنگ در، با لرزه‌ای در مهره پشت همراه است. چرا که بازی با کلمات را، خیال‌ورزی را به تیر تهمت پادشاه می‌دهند. هر کلمه اینجا با بیم بودن یا نبودن به دنیا می‌آید. ما مردم، با بار ست ایران کهن، فرهنگ عظیم اسلامی به جهان امروز آمده‌ایم، رها کردن هر یک از این سه فرهنگ، غبنی است برای ما و جهان. پس می‌نویسیم تا با شکل دادن به آنچه بوده یا هست،

ما نویسندگان، هر جا که باشیم و به هر زبان که بنویسیم، در خانه کلام مکتوب زندگی می‌کنیم. دیوار این خانه و سقفش را با همین کلمات ساخته‌ایم. پنجره ما به جهان و چتر ما حتی سپر ما همین کلماتند. به خانه ما اگر کسی بیاید، با همین خرده‌ریزهاست که خستگی از تنش می‌گیریم، خاطرش را با همین کلمات می‌آراییم، راهش می‌اندازیم. بی‌رقص این کلمات، آوازخوانی این حروف، جهان ما مأمون موش‌ها خواهد شد و دیوارها مان، دیسوارهای سرد سلول‌ها و چشم‌اندازمان گورستان گذشته‌های دور.

تا کلام نبرد، تاهرکس خانه‌اش را به هر زبان بسازد، جز به همصدایی جهانی اهل قلم، دل نباید بست که آنکه به غارت یک در، یک دریچه و حتی یک کلمه می‌آید، نه کلام من که در و دیوار خیالات تو را به توبره خواهد

بنا به گزارش چند روزنامه آلمانی، هوشنگ گلشیری نویسنده معروف وارد هلند شده است و احتمالاً در چارچوب دریافت بورس از یک بنیاد فرهنگی مدنی در خارج از کشور خواهد ماند. وی قبل از خروج از کشور پیامی به مراسنی که در سوند برای همیستی با نویسندگان و روشنفکران ایرانی برگزار شد، فرستاد که در زیر متن آن را می‌خوانید:

قبل از هر چیز، من هوشنگ گلشیری، نویسنده ایرانی، از همه نویسندگان جهان، چه ایرانی و چه غیرایرانی که ما را در راه رسیدن به آزادی بسیان و قلم در ایران یاری کرده‌اند و می‌کنند، تشکر می‌کنم. از انجمن قلم بخصوص، که هیچگاه ما را تنها رها نکرده است تشکر می‌کنم. اگر همصدایی شما نویسندگان سراسر جهان نبود، این صدا و هیچ صدای دیگری از اینجا شنیده نمی‌شد.

توطئه کشتار...

ادامه از صفحه اول

نویسندگان و هنرمندان، مجبور کردن عده دیگری از آنها به خروج از کشور و خاموش کردن صدای بقیه است. از سالها قبل کشتار، روزنامه کیهان، رسالت، هفته‌نامه کیهان هوایی و صبح و بدنبال آن خامنه‌ای فعالیت نویسندگان و هنرمندان دگراندیش را بعنوان «تهاجم فرهنگی» دشمن تلقی نمودند. تبلیغات و پرونده سازی این دسته از مطبوعات در طی چند سال کار ساز افتاد. زیر فشار آنها و دسته‌های حزب‌اللهی، خاتمی از وزارت ارشاد کنار رفت، محمد هاشمی از ریاست رادیو و تلویزیون استعفا داد و این ارگانها بدست ارتجاعی‌ترین نیروی حکومت یعنی جناح رسالت و بخش بازار آن (موتلفه اسلامی) افتاد، جمعیت موتلفه اسلامی در طی دو سال اخیر بطور سازمان‌یافته به ارگانهای فرهنگی چنگ‌انداخت و روز به روز وضعیت خفقان‌بار تشدید شد.

اکنون هماهنگی کاملی بین وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد، رادیو و تلویزیون و سازمان تبلیغات اسلامی بوجود آمده است. برنامه هویت، کشتار نویسندگان و توطئه‌های مختلف علیه آنها، اعمال سانسور شدید پرکتاب و فیلم‌ها و بستن نشریات مستقل ثمره نامیوم این ارگانها است.

تاریک‌اندیشان مرگ خود را در اشاعه فرهنگ مترقی می‌بینند و بهمین خاطر آنها قلم توقف و یا کاهش اقدامات ارتجاعی و هولناک خود را ندارند. آنها مصمم هستند جلو انتشار فرهنگ مترقی را حتی بقیمت سر به نیست کردن نویسندگان و هنرمندان مستقل بگیرند. اما رژیم اسلامی با این اقدامات قادر نخواهد شد مبارزه روشنفکران و مردم را متوقف کند. مبارزه در اشکال و عرصه‌های مختلف همچنان ادامه خواهد یافت.

در حاشیه دیدار رفسنجانی و عرفات

در جریان برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در اسلام‌آباد پاکستان، هاشمی رفسنجانی و یاسر عرفات دیدار کردند. این ملاقات، اولین دیدار عرفات با یکی از سران جمهوری اسلامی از هنگام برپایی حکومت خودمختار فلسطینی بود. همچنین رفسنجانی در یک کنفرانس مطبوعاتی، از سیاست‌های اخیر حکومت‌های مصر و فلسطین استقبال کرد و این سیاست‌ها را علیه آمریکا و اسرائیل دانست.

برخورد آشتی‌جویانه متقابل حکومت‌های جمهوری اسلامی و فلسطین، بدون تردید واکنشی در قبال تحولات منفی اخیر در روند صلح خاورمیانه است. عرفات از هنگام آغاز مذاکرات صلح به کارگردانی آمریکا، از هر گونه نزدیکی به حکومت‌های ایران، عراق و حتی سوریه اجتناب کرده و همه امید خود را به شریخی روند صلح با اسرائیل بسته بود. اما از هنگام روی کار آمدن دولت صلح تان‌یاو در اسرائیل، این امید روز به روز کاهش یافته است. در مناطق اشغالی خودمختار، نه تنها از ثمرات مثبت روند صلح، از قبیل رونق اقتصادی و بهبود زندگی مردم فلسطین، و در نتیجه تحکیم پایه‌های حکومت خودمختار خبری نیست، بلکه این مردم هر روز با اعمال فشار و زورگویی جدیدی از جانب اسرائیل روبرو می‌شوند. آخرین نمونه، طرح اسرائیل برای غصب مناطقی از شرق بیت‌المقدس از طریق ساختن یک شهرک جدید یهودی‌نشین است که «انتفاضة» (قیام) جدیدی را در مناطق اشغالی باعث شده است. در این شرایط، اگر عرفات کماکان به سیاست کنونی ادامه دهد، بیم آن می‌رود که کنترل اوضاع به طور کامل از دست او خارج شود و در اختیار نیروهای بنیادگرای فلسطینی قرار گیرد. عرفات که در طول زندگی سیاسی خود، با چرخش‌های متعدده، به عنوان سیاستمداری ماهر در درک الزامات بقا شناخته شده است، این بار نیز دریافته است که روند کنونی، می‌تواند بقای سیاسی او را زیر سؤال برد. روند صلح، یک روند دوجانبه است. وقتی طرف مقابل یعنی حکومت اسرائیل، از حساب باز کردن روی روند صلح اجتناب می‌کند و کماکان به اشغال نظامی مناطق فلسطینی‌ها و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین ادامه می‌دهد، برای حکومت فلسطینی چاره‌ای جز تجدید نظر در سیاست سال‌های اخیرش نمی‌ماند. بیانیته اخیر الفتح، سازمان سیاسی عرفات، که در آن مردم مناطق اشغالی به مقاومت در برابر اشغالگران فرا خوانده شده‌اند، از نشانه‌های بارز تجدید نظر عرفات در سیاست‌های خود است. در حالی که سازمان‌های بنیادگرا، می‌کوشند فلسطینی‌ها را درگیر عملیات مسلحانه نظیر بمب‌گذاری در داخل اسرائیل نمایند، عرفات و الفتح می‌کوشند پتانسیل اعتراض در مردم فلسطین را در شیوه‌هایی کانالیزه کنند که در طول سال‌های «انتفاضة»، برد و تأثیر خود را نشان داده است، شیوه‌هایی که در قیاس با اقداماتی مانند بمب‌گذاری و عملیات تروریستی، امکان به صحنه

آوردن توده‌های وسیع‌تری را دارد. برخی ناظران غربی، بیانیته اخیر الفتح را «فراخوان به پرتاب سنگ» نامیدند. اگر مانور اخیر عرفات در نزدیکی به حکومت جمهوری اسلامی، در حد دیپلماسی خارجی محدود بماند و به حیثیه همکاری و همراهی با گرایش‌های ضدمکراتیک و ضد تجدید بنیادگرایان اسلامی در سیاست داخلی فلسطین گسترش نیابد، می‌توان اقدامات اخیر عرفات و از جمله دیدار او با رفسنجانی را به عنوان یک اقدام بجای دیپلماتیک و تلاش برای تقویت مواضع فلسطینی‌ها در مذاکرات صلح قلمداد کرد. اما این نگرانی بی‌مورد نیست که ادامه روند کنونی، به تقویت مستقیم و غیرمستقیم بنیادگرایان در فلسطین بیانجامد؛ مستقیم بدین معنی که تجاوزهای گستاخانه اسرائیل به حقوق فلسطینی‌ها و نقض تعهدات قرارداد صلح، شمار هر چه بیشتری از فلسطینی‌ها را به زیر پرچم افراطی‌گری مذهبی براند. و غیرمستقیم بدین معنی که عرفات، مشی دادن امتیازات هر چه بیشتر به بنیادگرایان در سیاست داخلی را در پیش گیرد. قطعاً جمهوری اسلامی عرفات را به در پیش گرفتن چنین سیاستی ترغیب می‌کند.

اما از جانب جمهوری اسلامی، تقویت بنیادگرایی در فلسطین، تنها انگیزه برخوردارهای اخیر دوستانه به عرفات نیست. حکومت اسلامی در سال‌ها و ماه‌های اخیر، به طور فزاینده‌ای در انزوا قرار گرفته است. اجرای سیاست مهار دوگانه آمریکا در منطقه و سردی روابط تهران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، قدرت گرفتن طالبان در افغانستان، روی آوردن آذربایجان و جمهوری‌های آسیای میانه به قدرت‌های دیگر، ادامه تیرگی مناسبات با عراق و اخیراً تحت فشار قرار گرفتن طرفداران سیاست دبالوگ انتقادی در اروپا، همه و همه مواضع سیاسی خارجی تهران را به شدت ضعیف کرده است. کاملاً قابل تصور است که سران جمهوری اسلامی بکوشند از هر روزنه‌ای برای غلبه بر این ضعف استفاده کنند.

فرصت و روزنه‌ای که اینک در برابر حکومت اسلامی رخ نموده است، وقفه و اختلال در روند صلح خاورمیانه است که در جریان آن در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی به حاشیه تحرکات دیپلماتیک در منطقه رانده شده بود. اکنون، سران جمهوری اسلامی به برکت سیاست‌های ضد صلح دولت اسرائیل، فرصتی استثنایی برای خروج از انزوا در جرگه کشورهای منطقه می‌بینند. باید منتظر ماند و دید جمهوری اسلامی برای خروج از انزوا، آماده دادن امتیازات واقعی در سیاست خارجی خود نیز هست و یا صرفاً به استفاده از فرصت پیش‌آمده برای گشودن باب گفتگو با سایر حکومت‌های منطقه بسنده می‌کند. اگر جمهوری اسلامی حاضر به تجدید نظر در سیاست‌های تکتونی خود و دست کشیدن از دخالت در امور داخلی کشورها و حمایت از تروریسم نشود، نزدیکی آن به سایر حکومت‌های منطقه دیری نخواهد پایید.

تشکر

از همه رفقا و دوستانی که با ارسال کارت و نامه آغاز سال نو را به کارکنان نشریه تبریک گفته‌اند صمیمانه تشکر می‌کنیم و برای یکایک آنان سالی پربار، سرشار از موفقیت و توأم با تندرستی و شادکامی آرزو می‌کنیم.

کارکنان نشریه کار

انتخابات ریاست جمهوری: صف‌بندی بین روحانیت، بازار و روشنفکران مذهبی

درانتخابات آینده ریاست جمهوری به یک معنی حذف صف‌بندی بین‌روحانیت و بازار از یکسو و روشنفکران و تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های مذهبی از سوی دیگر است. گرچه این شکاف از ابتدای انقلاب در درون طیف نیروهای وابسته به نظام اسلامی وجود داشت و در مقاطع مختلف تجلی می‌یافت ولی اینبار با ائتلاف خط امامی‌ها و گروه کارگزاران، صف‌بندی بین این دو گروه دوگانه و طیف فکری سیاسی شکل گرفته است. انتخابات آینده به یک معنی زورآزمایی بین این دو نیرو و بین طرفداران فقه سنتی و حامیان نوگرایی در فقه است. پیروزی نوری در انتخابات در حقیقت پیروزی روحانیت و بازار بر روشنفکران مذهبی در قبضه قوه اجرایی است.

جناح رسالت با جامعه روحانیت مبارز، حوزه علمیه قم و جمعیت مؤتلفه اسلامی و در جناح کارگزاران مسئولین ارگانه‌های دولتی و در خط امامی‌ها سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت و مجمع روحانیون مبارز است. گرچه در جناح رسالت نیز عناصر روشنفکر مذهبی که تفکر جناح رسالت را پذیرفته‌اند و در جهت منافع آنها گام برمی‌دارند کم نیست و در بین خط امامی‌ها نیز عناصر روحانی و مجمع روحانیت مبارز فراوان هستند. اما می‌توان گفت در اولی وزن سنگین با نیروی بازار و روحانیت است که حامل تفکر و فقه سنتی است و در جناح خط امامی و کارگزاران وزن سنگین و عنصر هدایت‌کننده با نیروهای مذهبی است که معتقد به فقه پویا و نوگرایی در فقه است.

رقابت بین ناطق نوری و خاتمی

کارگزاران را به سوی ائتلاف با خط امامی‌ها سوق داد. اعلام حمایت‌هایی که در روزنامه‌ها از کاندیدها سویژه ناطق نوری و خاتمی صورت می‌گیرد، نشانه‌ای از صف‌بندی آشکار در بین بخشی از نیروهای اجتماعی و سیاسی است. تاکنون تشکل‌های اسلامی دانشجویان، استادان، معلمان و بخش‌هایی از جامعه ادبی و هنری از خاتمی و بازاریان، جامعه روحانیت مبارز و حوزه علمیه قم و حزب‌اللهی‌ها از ناطق نوری اعلام حمایت کرده‌اند. از انشقاق بهمن بدینسو جناح‌هایی که در درون نظام اسلامی شکل گرفته، عمدتاً نیروی اصلی آنها یا بازاری و روحانیت بودند (جناح رسالت) خط امامی‌ها و یا تکنوکرات‌ها و بسورکرات‌های مذهبی (گروه کارگزاران). نقش و وزن اصلی در

گروه کارگزاران بعد از مدت‌ها تأمل و کشمکش‌های درونی سرانجام حمایت خود را از کاندیداتوری خاتمی برای ریاست جمهوری اعلام کرد. بدین ترتیب جناح کارگزاران و خط امامی‌ها در جریان انتخابات ریاست جمهوری در یک صف قرار گرفتند و جناح رسالت در صف دیگر. در انتخابات قبلی صف‌بندی بین جناح‌های حکومتی به گونه دیگری بود. در انتخابات دوره چهارم مجلس شورای کارگزاران در صف متحد با رسالتی‌ها علیه خط امامی‌ها قرار داشتند. در انتخابات دوره پنجم مجلس هر سه جناح کاندیداهای مستقل خود را اعلام نمودند. اما در این دوره انتخابات جناح رسالت که خود را در موضع قدرت می‌دید، حاضر به ائتلاف با گروه کارگزاران و سهم کردن نیروی دیگر در قدرت سیاسی نشد و گروه

در انتظار حکم دادگاه می‌کونوس ...

ادامه از صفحه اول

روزها دچار تشنج شده‌اند و بای‌بصری منتظر رای دادگاه هستند. وزارت امور خارجه آلمان نیز از شهروندان آلمانی خواسته است تا آنجا که ممکن است سفر خود به ایران را به تعویق بیاورند. مأموران امنیتی آلمان می‌گویند اگر دادگاه اعلام کند ترور رهبران کرد در تهران سازماندهی و هدایت شده است آلمان یا موجی از ناامنی، عملیات ترور و آدم‌ربایی روبرو خواهد شد.

همه منتظرند بدانند که دادگاه در مورد آن بخش از کیفرخواست دادستان که رهبران جمهوری اسلامی را به صدور قتل‌ها متهم کرده و تقاضا کرده که قضات تروریسم دولتی را محکوم کنند چه رای صادر می‌کند. تأیید کیفرخواست دادستان در مورد دخالت رهبران رژیم در قتل مخالفان در شناخت جهانی از جنایت‌های جمهوری اسلامی تأثیر مهمی دارد اما سکوت دادگاه در مورد این بخش از کیفرخواست به معنی تیرنه خامنه‌ای و رفسنجانی نیست. هیأت منصفه می‌لونی بیرون از دادگاه است. میلیونها انسان طی ۱۸ سال حکومت جمهوری اسلامی شاهد جنایت‌های رهبران جمهوری اسلامی هستند. از نظر آنان رهبران حکومت اسلامی آدم‌کش و جانی هستند. هزاران ایرانی تاکنون به دستور آنان جان باخته‌اند.

دادگاه جلوگیری کند. علیرغم تمایل دولت آلمان برای فیصله‌دادن به ماجرا، تلاش‌های جمهوری اسلامی نه تنها نتیجه مطلوب رژیم را بر نیاورد بلکه دادگاه فدرال با صدور حکم جلب فلاحیان موافقت کرد. اظهارات مصباحی از جمله بنی‌صدر و ابوالقاسم مصباحی عضو بلندپایه وزارت اطلاعات و امنیت مستندتر از آن بودند که مخالفان ادامه کار دادگاه بتوانند بر جنایتکاری آشکار جمهوری اسلامی سرپوش بگذارند. در ماه‌های اخیر صدور حکم نهایی چندین بار به تعویق افتاد. هفته گذشته نیز وکیل عباس رایل تلاش کرد وقفه تازه‌ای در صدور حکم ایجاد کند. رایل اعلام کرد سه شاهد به دادگاه معرفی خواهد کرد اما وی بعداً این ادعای خود را پس گرفت.

اعلام رای دادگاه ممکن است، اما واکنش جمهوری اسلامی و گزارش تدارک اقدامات مقامات امنیتی آلمان بر آن دلالت دارند که به احتمال بسیار زیاد حکم در تاریخ معین شده اعلام خواهد شد. هفته‌نامه آلمانی اشپیکل در آخرین شماره، دو روز پیش از اعلام رای دادگاه در ارزیابی از مناسبات آلمان و جمهوری اسلامی نوشت: آن دسته از سیاستمدارانی که از گفت و شنود انتقادی حمایت کرده‌اند این

فراخوان برای تظاهرات

در مقابل دادگاه می‌کونوس

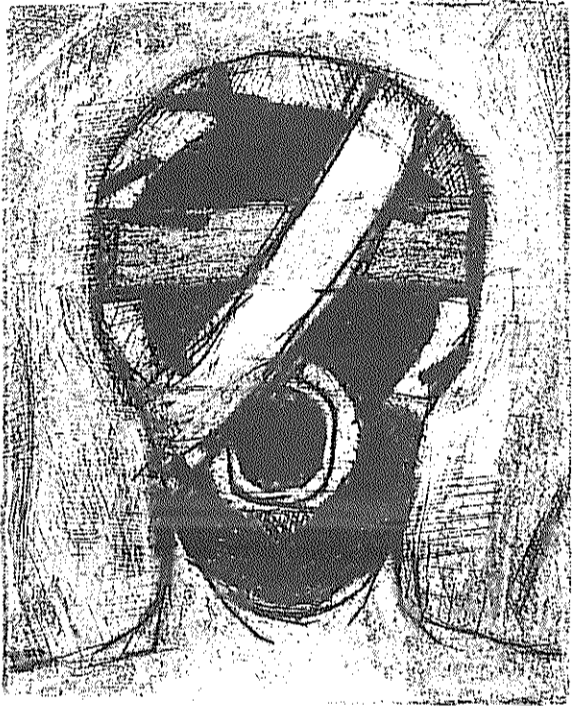
دهم آوریل رأی دادگاه «می‌کونوس» صادر خواهد شد

ایرانیان آزاده!

تروریست‌های جمهوری اسلامی ایران تحت فرمان ولی امر در سال‌های گذشته تعداد زیادی از آزادیخواهان ایرانی را در کشورهای بیگانه به قتل رسانده‌اند، و با اینکار نه تنها در پی نابودی سیاستمداران باتجربه کشور ما بوده‌اند، بلکه سعی نموده‌اند وحشی‌گسترده در بین هم‌میهنان ما در داخل و خارج از کشور حاکم گردانند. خوشبختانه به هدف اخیر خود دست نیافته و ایرانیان در داخل و خارج کشور روز به روز صدای اعتراض خود را علیه سیاست سرکوب رژیم بلندتر و هماهنگ‌تر می‌سازند.

جامعه ایرانیان آزادخواه از تمام هموطنان مقیم برلین دعوت می‌کند تا همصدا، اعتراض خود علیه تروریسم خارجی و سرکوب داخلی رژیم و سیاست مداخلات حکومت آلمان با حاکمان جنایتکار ایران را اعلام نمایند. حضور هر یک از ما در روز صدور حکم در مقابل دادگاه «می‌کونوس» خاری بر چشم دستوردهندگان و حامیان آنها و مرهم بر زخم بازماندگان قربانیان کشتار فجیع می‌کونوس است.

جامعه ایرانیان آزادخواه - برلین
فروردین ۱۳۷۶



هاشمی رفسنجانی از آمریکا خواست

برای مذاکره پیشقدم شود

اتهامات علیه جمهوری اسلامی آن اندازه در دادگاه اثبات شده‌اند که مردم بی‌طرف فرانسه آن را قبول دارند.

در ادامه مصاحبه سخن از فشار اقتصادی، افزایش فقر در ایران، مردان و زنانی که برای تأمین معیشت خانواده‌شان شبانه روز در حال کار هستند، فساد در دستگاه دولتی و غنی‌تر شدن افراد معین بود.

پرسش والاس در مورد رفتار مردم و حجاب زنان این بود که چرا زنان مجبور شده‌اند رفتار دوگانه‌ای داشته باشند، در بیرون حجاب اسلامی بر تن دارند در داخل چهار دیواری خودشان لباس دلخواهشان را می‌پوشند. رفسنجانی پاسخ داد که

جمهوری اسلامی در خیابانها امکان کنترل نوع پوشش و رفتار مردم را ندارد اما در پرسش و پاسخ پیرامون ممنوعیت نصب آنتن‌های بشقابی گیرنده برنامه‌های ماهواره و علاقه جوانان ایرانی به دیدن فیلم‌هایی که از این برنامه‌ها پخش می‌شود، رفسنجانی آزادی انتشار پلی‌بوی را به عنوان نشانه فساد فرهنگی مطرح کرد و والاس از رفسنجانی پرسید: پلی‌بوی را از کجا می‌شناسید آیا خود شخصاً آن را می‌بینید؟ رئیس جمهور رژیم جواب داد: «از اطرافیانم شنیده‌ام».

ادامه از صفحه اول

که شما می‌توانید می‌تواند اتفاق افتد». والاس پرسید: آیا شما منظور خاصی داشتید که با وجود آمادگی شرکت‌های نفتی فرانسوی «توتال» قرارداد را با شرکت آمریکایی «کونوکو» امضا کردید تا به استخراج نفت در جزیره سیری بپردازد؟ رفسنجانی پاسخ داد: این علامتی بود که به آمریکا دادیم. ولی آنها متوجه نشدند، علاوه بر این قرار بود آمریکا باسازی چند سکوی نفتی را که در جنگ ایران و عراق آسیب دیده بود بر عهده گیرد که آنها هم بر اثر تحریم متغنی شد.

بخش دوم مصاحبه والاس با رفسنجانی به نقش مخرب جمهوری اسلامی در روند صلح خاورمیانه و تروریسم داخلی و خارجی اختصاص داشت. والاس از رفسنجانی پرسید: می‌خواهید فهرستی از کسانی را که توسط افراد شما و یا به هر ترتیب دیگری کشته شده‌اند، با تاریخ، محل و نام آنها ارائه دهید. رفسنجانی این ترورها را به اختلاف درون‌گروهی مخالفین نسبت داد و بی‌شماره گفت که ترور مخالفان در هیچ مرجعی تأیید نشده است. والاس جواب داد: در فرانسه، در آلمان و افزود: این

مصاحبه‌ی کیهان هوائی با عزت‌الله سحابی

● سحابی به صراحت بخشی از رژیم را مسئول قتل دکتر عبدالرحمان قاسملو دانست

هفته‌نامه‌ی کیهان هوائی در آخرین شماره‌ی سال گذشته‌ی خود مصاحبه‌ی راکه خبرنگار این نشریه با عزت‌الله سحابی کاندیدای هفتمین دوری انتخابات ریاست جمهوری از ملیون شناخته شده‌ی کشور انجام داده، چاپ کرده است. خبرنگار مزبور در این مصاحبه همانند یک سخنگوی حکومت جمهوری اسلامی و با دفاع از مواضع رسمی اعلام شده توسط رژیم که بعضاً به «تابو»ها و «اصول» خودساخته‌ی آن تبدیل شده است عوام‌فریبانه کوشش می‌کند تا سحابی را در تنگنا قرار دهد و وی را مخالف چنین «اصولی» قلمداد کند. سحابی در مقابل در عین این‌که جا به جا و به کزات با «خبرنگار» هم‌دل و هم‌اوا می‌شود، در لاپلای سخنانش موفق به توضیح مواضع خود که با سیاست رسمی حکومت تفاوت آشکار دارد، می‌گردد. در اینجا بخش‌هایی از این مصاحبه از نظراتان می‌گذرد.

سحابی: دولت ایران خودش را یک ابرقدرت می‌داند که می‌خواهد با قدرت‌های جهان سرسره‌سر بگذارد و رقابت کند. هر جا آنها حضور دارند، این هم می‌خواهد حضور داشته باشد. برای مثال اگر آمریکا یا انگلیس یا آلمان به بعضی کشورها در آفریقا کمک مالی می‌کنند یا می‌خواهند آن جا پایگاه درست کنند، ایران هم می‌خواهد همان کار را بکند. حرف ما این است که این ادعای ایران به اندازه‌ی ظرفیت و توان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خودش نیست. ناچار است به خاطر این نوع حضور قرض کنیم که هیچ تحریک سیاسی هم نکنند، مقدار زیادی از ذخایر و منابع ملی خودش را ببرد و خرج آن کشورها و آن‌گونه نهضت‌ها در اقصی نقاط دنیا بکند. این به ظرفیت ما نمی‌خورد...
مطلب دوم، مسائلی است که دنیا به ایران نسبت می‌دهد. من به حقایقت اینها کاری ندارم. قبول هم دارم که اکثریت این نسبت‌ها دروغ، کذب و تحریک است یا از منابع صهیونیستی ایجاد می‌شوند. ولی گاهی هم کارهایی انجام می‌شوند که به دست دنیا بهانه می‌دهند که بگویند ایران در جاهای مختلف دنیا می‌خواهد مخالفان خودش را از بین ببرد یا در اروپا یا آمریکا یا جاهای دیگر، خوب چند اتفاق هم افتاده است. چند سال پیش که عبدالرحمن قاسملو را که با یک جناح رسمی حاکمیت «وزارت خارجه» مشغول مذاکره بود، از بین بردند و این نشان می‌داد که بخشی از داخل ایران آن جسوری عمل می‌کند. من این نسبت‌هایی را که در دادگاه می‌گویی مطرح است، اعتماد ندارم و می‌گویم که ۹۰ درصد آنها دروغ است، ولی در هر صورت یک اتفاقاتی افتاده که این بهانه را به دست دیگران داده‌اند.

سحابی: دولت ایران خودش را یک ابرقدرت می‌داند که می‌خواهد با قدرت‌های جهان سرسره‌سر بگذارد و رقابت کند. هر جا آنها حضور دارند، این هم می‌خواهد حضور داشته باشد. برای مثال اگر آمریکا یا انگلیس یا آلمان به بعضی کشورها در آفریقا کمک مالی می‌کنند یا می‌خواهند آن جا پایگاه درست کنند، ایران هم می‌خواهد همان کار را بکند. حرف ما این است که این ادعای ایران به اندازه‌ی ظرفیت و توان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خودش نیست. ناچار است به خاطر این نوع حضور قرض کنیم که هیچ تحریک سیاسی هم نکنند، مقدار زیادی از ذخایر و منابع ملی خودش را ببرد و خرج آن کشورها و آن‌گونه نهضت‌ها در اقصی نقاط دنیا بکند. این به ظرفیت ما نمی‌خورد...
مطلب دوم، مسائلی است که دنیا به ایران نسبت می‌دهد. من به حقایقت اینها کاری ندارم. قبول هم دارم که اکثریت این نسبت‌ها دروغ، کذب و تحریک است یا از منابع صهیونیستی ایجاد می‌شوند. ولی گاهی هم کارهایی انجام می‌شوند که به دست دنیا بهانه می‌دهند که بگویند ایران در جاهای مختلف دنیا می‌خواهد مخالفان خودش را از بین ببرد یا در اروپا یا آمریکا یا جاهای دیگر، خوب چند اتفاق هم افتاده است. چند سال پیش که عبدالرحمن قاسملو را که با یک جناح رسمی حاکمیت «وزارت خارجه» مشغول مذاکره بود، از بین بردند و این نشان می‌داد که بخشی از داخل ایران آن جسوری عمل می‌کند. من این نسبت‌هایی را که در دادگاه می‌گویی مطرح است، اعتماد ندارم و می‌گویم که ۹۰ درصد آنها دروغ است، ولی در هر صورت یک اتفاقاتی افتاده که این بهانه را به دست دیگران داده‌اند.

سحابی: دولت ایران خودش را یک ابرقدرت می‌داند که می‌خواهد با قدرت‌های جهان سرسره‌سر بگذارد و رقابت کند. هر جا آنها حضور دارند، این هم می‌خواهد حضور داشته باشد. برای مثال اگر آمریکا یا انگلیس یا آلمان به بعضی کشورها در آفریقا کمک مالی می‌کنند یا می‌خواهند آن جا پایگاه درست کنند، ایران هم می‌خواهد همان کار را بکند. حرف ما این است که این ادعای ایران به اندازه‌ی ظرفیت و توان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خودش نیست. ناچار است به خاطر این نوع حضور قرض کنیم که هیچ تحریک سیاسی هم نکنند، مقدار زیادی از ذخایر و منابع ملی خودش را ببرد و خرج آن کشورها و آن‌گونه نهضت‌ها در اقصی نقاط دنیا بکند. این به ظرفیت ما نمی‌خورد...
مطلب دوم، مسائلی است که دنیا به ایران نسبت می‌دهد. من به حقایقت اینها کاری ندارم. قبول هم دارم که اکثریت این نسبت‌ها دروغ، کذب و تحریک است یا از منابع صهیونیستی ایجاد می‌شوند. ولی گاهی هم کارهایی انجام می‌شوند که به دست دنیا بهانه می‌دهند که بگویند ایران در جاهای مختلف دنیا می‌خواهد مخالفان خودش را از بین ببرد یا در اروپا یا آمریکا یا جاهای دیگر، خوب چند اتفاق هم افتاده است. چند سال پیش که عبدالرحمن قاسملو را که با یک جناح رسمی حاکمیت «وزارت خارجه» مشغول مذاکره بود، از بین بردند و این نشان می‌داد که بخشی از داخل ایران آن جسوری عمل می‌کند. من این نسبت‌هایی را که در دادگاه می‌گویی مطرح است، اعتماد ندارم و می‌گویم که ۹۰ درصد آنها دروغ است، ولی در هر صورت یک اتفاقاتی افتاده که این بهانه را به دست دیگران داده‌اند.

سحابی: دولت ایران خودش را یک ابرقدرت می‌داند که می‌خواهد با قدرت‌های جهان سرسره‌سر بگذارد و رقابت کند. هر جا آنها حضور دارند، این هم می‌خواهد حضور داشته باشد. برای مثال اگر آمریکا یا انگلیس یا آلمان به بعضی کشورها در آفریقا کمک مالی می‌کنند یا می‌خواهند آن جا پایگاه درست کنند، ایران هم می‌خواهد همان کار را بکند. حرف ما این است که این ادعای ایران به اندازه‌ی ظرفیت و توان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خودش نیست. ناچار است به خاطر این نوع حضور قرض کنیم که هیچ تحریک سیاسی هم نکنند، مقدار زیادی از ذخایر و منابع ملی خودش را ببرد و خرج آن کشورها و آن‌گونه نهضت‌ها در اقصی نقاط دنیا بکند. این به ظرفیت ما نمی‌خورد...
مطلب دوم، مسائلی است که دنیا به ایران نسبت می‌دهد. من به حقایقت اینها کاری ندارم. قبول هم دارم که اکثریت این نسبت‌ها دروغ، کذب و تحریک است یا از منابع صهیونیستی ایجاد می‌شوند. ولی گاهی هم کارهایی انجام می‌شوند که به دست دنیا بهانه می‌دهند که بگویند ایران در جاهای مختلف دنیا می‌خواهد مخالفان خودش را از بین ببرد یا در اروپا یا آمریکا یا جاهای دیگر، خوب چند اتفاق هم افتاده است. چند سال پیش که عبدالرحمن قاسملو را که با یک جناح رسمی حاکمیت «وزارت خارجه» مشغول مذاکره بود، از بین بردند و این نشان می‌داد که بخشی از داخل ایران آن جسوری عمل می‌کند. من این نسبت‌هایی را که در دادگاه می‌گویی مطرح است، اعتماد ندارم و می‌گویم که ۹۰ درصد آنها دروغ است، ولی در هر صورت یک اتفاقاتی افتاده که این بهانه را به دست دیگران داده‌اند.

انگیزه‌ی طبرزدی برای شرکت در انتخابات

بخش فارسی رادیو فرانسه در اوایل فروردین ماه مصاحبه‌ی با حشمت‌الله طبرزدی نامزد هفتمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری رژیم پخش نمود. طبرزدی انگیزه‌ی عمده‌ی خود را برای شرکت در انتخابات، اجرای قانون اساسی و به خصوص بخش‌هایی از آن که در ارتباط با حقوق فردی است، ذکر کرد. وی «حقوق فردی» را شامل آزادی مطبوعات و اندیشه و نظر و قانون شوراها و حقوق مربوط به مسکن و شغل و بهداشت و آموزش دانست که به تصریح وی بعضاً «یا اجرا نشده و یا ضعیف اجرا شده است».
وی در عین حال اظهار داشت که «ما یک قانون اساسی مترقی (۱۶) داریم» که اداری کشور باید بر مبنای آن صورت گیرد و کاندیداهای انتخاباتی باید نظر خود را دربارۀ آن ارائه دهند و به اراده‌ی نظر بر روی سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی اکتفا نکنند.

ارائه‌ی طرح برای حمایت اقتصادی زنان

شورای فرهنگی اجتماعی زنان چندی پیش طرحی را برای حمایت از حقوق اقتصادی زنان به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کرد که مهمترین مفاد آن به شرح زیر است:
- تنظیم وصیت‌نامه به صورتی قانونی
- شیبه سند ازدواج یا شناسنامه و پرداخت دیونی که مرد بر طبق وصیت قبل از تقسیم سهام ارث مشخص می‌کند.

سحابی: دولت ایران خودش را یک ابرقدرت می‌داند که می‌خواهد با قدرت‌های جهان سرسره‌سر بگذارد و رقابت کند. هر جا آنها حضور دارند، این هم می‌خواهد حضور داشته باشد. برای مثال اگر آمریکا یا انگلیس یا آلمان به بعضی کشورها در آفریقا کمک مالی می‌کنند یا می‌خواهند آن جا پایگاه درست کنند، ایران هم می‌خواهد همان کار را بکند. حرف ما این است که این ادعای ایران به اندازه‌ی ظرفیت و توان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خودش نیست. ناچار است به خاطر این نوع حضور قرض کنیم که هیچ تحریک سیاسی هم نکنند، مقدار زیادی از ذخایر و منابع ملی خودش را ببرد و خرج آن کشورها و آن‌گونه نهضت‌ها در اقصی نقاط دنیا بکند. این به ظرفیت ما نمی‌خورد...
مطلب دوم، مسائلی است که دنیا به ایران نسبت می‌دهد. من به حقایقت اینها کاری ندارم. قبول هم دارم که اکثریت این نسبت‌ها دروغ، کذب و تحریک است یا از منابع صهیونیستی ایجاد می‌شوند. ولی گاهی هم کارهایی انجام می‌شوند که به دست دنیا بهانه می‌دهند که بگویند ایران در جاهای مختلف دنیا می‌خواهد مخالفان خودش را از بین ببرد یا در اروپا یا آمریکا یا جاهای دیگر، خوب چند اتفاق هم افتاده است. چند سال پیش که عبدالرحمن قاسملو را که با یک جناح رسمی حاکمیت «وزارت خارجه» مشغول مذاکره بود، از بین بردند و این نشان می‌داد که بخشی از داخل ایران آن جسوری عمل می‌کند. من این نسبت‌هایی را که در دادگاه می‌گویی مطرح است، اعتماد ندارم و می‌گویم که ۹۰ درصد آنها دروغ است، ولی در هر صورت یک اتفاقاتی افتاده که این بهانه را به دست دیگران داده‌اند.

ادامه‌ی اجرای طرح ریشه‌کنی فلج اطفال

در راستای برنامه‌ی سازمان بهداشت جهانی برای ریشه‌کنی بیماری فلج اطفال قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی، از روز ۲۲ فروردین ماه اولین مرحله از برنامه‌ی اسیال واکسیناسیون عمومی کودکان زیر پنج‌سال برای نابودی این بیماری در ایران به اجرا در خواهد آمد. در سه سال گذشته نیز برنامه‌ی مشابهی در ایران و کشورهای همسایه اجرا شد. با این وجود هنوز بیماری فلج اطفال در این کشورها نابود نگردیده است.

۱۸/۵ میلیارد دلار تأمین می‌شود؟

آقایان وزیر نفت رژیم اعلام کرد بودجه‌ی حاصل از محل فروش نفت خام در سال جاری در مجلس شورای اسلامی ۱۸/۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده که با صدور روزانه‌ی ۲/۵ میلیون بشکه نفت متحقق خواهد شد. تأمین این مبلغ هنگامی میسر است که قیمت نفت در طول سال به‌طور متوسط بیش از ۲۰ دلار برای هر بشکه باشد. این درحالی است که پیش‌بینی می‌شود قیمت نفت خام به دلیل کاهش فصلی در سه ماهه آوریل تا ژوئن همچنان کاهش یابد و از رقم کنونی که زیر بشکه‌ی ۲۰ دلار است نیز پایین‌تر بیاید.

بودجه بازسازی مناطق زلزله‌زده

رسول‌زرگر معاون عمرانی وزارت کشور رژیم اعلام کرد که برای بازسازی هر واحد مسکونی تخریب شده در زلزله‌های یجنورد و اردبیل مبلغ هشتصد هزار تومان، برای هر واحد دامی سیصد هزار تومان و برای تأمین لوازم‌زندگی صد هزار تومان در اختیار آسیب‌دیدگان زلزله قرار خواهد گرفت. از طرف نهاد رئیس‌جمهوری رژیم نیز برای بازسازی هرواحد مسکونی دویست هزار تومان کمک بلاعوض به آسیب‌دیدگان زلزله در نظر گرفته شده است.

خبرهای کوتاه

صدور حکم اعدام برای یک وکیل

سازمان عفو بین‌الملل با نوشتن نامه‌ی به مقامات جمهوری اسلامی اعتراض خود را نسبت به صدور حکم اعدام برای محمد اسدی وکیل دادگستری که از سه سال و نیم پیش در زندان رژیم به سر می‌برد اعلام کرد. محاکمه‌ی محمد اسدی ۶۸ ساله به اتهام شرکت در کودتای نوژه، عضویت در فراماسونری، مسافرت به اسرائیل و خرید محصولات کشاورزی از آمریکا در زمان قبل از انقلاب ظاهراً اخیراً به پایان رسیده و وی به مجازات اعدام محکوم شده است.

بهای سوخت بازهم افزایش یافت

دولت جمهوری اسلامی در روز شنبه‌ی این هفته در نخستین روز پس از تعطیلات طولانی‌ی عید نوروز، با صدور بخش‌نامه‌ی قیمت فروش نفت و بنزین در جایگاه‌های دولتی را افزایش داد. قیمت فروش بنزین معمولی در سال جدید ۱۶ تومان، بنزین سوپر ۲۲ تومان و نفت سفید ۴ تومان تعیین شده است. پیش‌بینی می‌شود که افزایش قیمت مواد سوختی به سرعت بر روی قیمت کرایه‌ی تاکسی و بلیت سفرهای داخل شهری و بین شهری تأثیر بگذارد.

مخالفت ترکمنان با اجباری کردن چادر

هفته‌نامه‌ی کیهان هوائی در یکی از شماره‌های اخیر خود در یک مقاله‌ی تحلیلی نوشت که «طبق بررسی‌های به‌عمل آمده اجرای طرح استفاده‌ی اجباری از چادر به عنوان حجاب برتر در برخی از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در استان مازندران بازتاب منفی در میان مردم ترکمن و اهل سنت شرق این استان داشته است». به اذعان مقاله‌ی یاد شده اجرای این دستورالعمل در واحدهای دانشگاه آزاد در شهرهای دیگر نیز با واکنش‌های مشابهی مواجه شده است.

جدایی جنسی به هنگام اجرای نقش؟!

رئیس دانشگاه آزاد یکی از شهرهای جنوب کشور با صدور بخش‌نامه‌ی برای گروه‌های تئاتر دانشجویان از آنان خواسته است که برنامه‌های نمایشی خود را طوری طراحی نمایند که «گروه برادران» و «گروه خواهران» به تفکیک جنسیت به اجرای برنامه بپردازند.

«ایران فردا» از نامه‌ی سرکوهی خبر داد

ماهنامه‌ی ایران فردا در شماره‌ی اسفند ماه خود از انتشار آخرین نامه‌ی افشاگرانه‌ی فرج سرکوهی به مقیاس وسیع در خارج از کشور خبر داده است و نوشته است که «از سوی برخی مقامات و اعضای دولت‌ها و پارلمان‌ها و احزاب اروپایی و برخی از ایرانیان و بعضی از ارباب اهل قلم اعتراضاتی به اشکال گوناگون به مقامات ایرانی صورت گرفته است».

تأسیس دانشکده‌ی تربیت مبلغ!

پس از تأسیس دانشگاه‌های آزاد و غیرانتفاعی، حال سازمان تبلیغات اسلامی رژیم خود را دارای موقعیتی می‌بیند که به تأسیس یک مؤسسه‌ی آموزش عالی اقدام کند. این سازمان در نظر دارد برای تربیت مبلغ دانشکده‌ی ایجاد کند و از سال تحصیلی آینده برای مقطع کارشناسی (لیسانس) و پس از مدتی در مقطع کارشناسی ارشد (فوق‌لیسانس) دانشجو بپذیرد.

ادامه‌ی اجرای طرح ریشه‌کنی فلج اطفال

در راستای برنامه‌ی سازمان بهداشت جهانی برای ریشه‌کنی بیماری فلج اطفال قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی، از روز ۲۲ فروردین ماه اولین مرحله از برنامه‌ی اسیال واکسیناسیون عمومی کودکان زیر پنج‌سال برای نابودی این بیماری در ایران به اجرا در خواهد آمد. در سه سال گذشته نیز برنامه‌ی مشابهی در ایران و کشورهای همسایه اجرا شد. با این وجود هنوز بیماری فلج اطفال در این کشورها نابود نگردیده است.

۱۸/۵ میلیارد دلار تأمین می‌شود؟

آقایان وزیر نفت رژیم اعلام کرد بودجه‌ی حاصل از محل فروش نفت خام در سال جاری در مجلس شورای اسلامی ۱۸/۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده که با صدور روزانه‌ی ۲/۵ میلیون بشکه نفت متحقق خواهد شد. تأمین این مبلغ هنگامی میسر است که قیمت نفت در طول سال به‌طور متوسط بیش از ۲۰ دلار برای هر بشکه باشد. این درحالی است که پیش‌بینی می‌شود قیمت نفت خام به دلیل کاهش فصلی در سه ماهه آوریل تا ژوئن همچنان کاهش یابد و از رقم کنونی که زیر بشکه‌ی ۲۰ دلار است نیز پایین‌تر بیاید.

بودجه بازسازی مناطق زلزله‌زده

رسول‌زرگر معاون عمرانی وزارت کشور رژیم اعلام کرد که برای بازسازی هر واحد مسکونی تخریب شده در زلزله‌های یجنورد و اردبیل مبلغ هشتصد هزار تومان، برای هر واحد دامی سیصد هزار تومان و برای تأمین لوازم‌زندگی صد هزار تومان در اختیار آسیب‌دیدگان زلزله قرار خواهد گرفت. از طرف نهاد رئیس‌جمهوری رژیم نیز برای بازسازی هرواحد مسکونی دویست هزار تومان کمک بلاعوض به آسیب‌دیدگان زلزله در نظر گرفته شده است.

رفیق عزیز سهراب!

از دست دادن مادر، ضربه سنگینی است. ما خود را در غم تو و رفیق شیدا شریک می‌دانیم. کارکنان نشریه کار

کار را بروی
شبکه جهانی اینترنت Internet
بخوانید
نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت نیز در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند علاوه بر آخرین اعلامیه‌های سازمان و مهم‌ترین خبرهای مربوط به کشور، صفحات آخرین شماره‌های نشریه، مقالات برگزیده‌ی شماره‌های پیشین نشریه، اسناد کنگره‌های سازمان و هم‌چنین مطالب بولتن News & Views را به چند زبان بین‌المللی، زیر آدرس‌های: <http://www.magnet.at/iran.kar.fadai.aksariyat> و <http://www.geocities.com/capitolhill/2902> ملاحظه فرمایند.
مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گوردوسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

گزارش دوم موريس کاپيتورن

بقیه از صفحه ۶
شود که پوششی را کاملاً مطابق با دستورها نیست، تحمل کند.

۲۵ - در ایران امروز به نظر می‌رسد که بحث عمومی درباره موقعیت زنان داغ‌تر می‌شود، به ویژه از آن رو که شمار بیشتری از زنان به اظهار نظر می‌پردازند، و ظاهراً برخی اقدامات تحول‌گرا در مقررات دیده می‌شود. آشکار است که در رابطه با این موضوع، تنش قابل توجهی وجود دارد، و هنوز زود است که بتوان حد پیشرفت را اندازه گرفت. اطلاعات مندرج در مطبوعات ایرانی و بین‌المللی، و نیز اطلاعاتی که از طریق دولت در اختیار نماینده ویژه قرار گرفته است، حاکی از این فراین است:

آن، طیف اتهامات گاه مبهمی که به خاطر آن حکم اعدام صادر می‌شود، شتابی که گاه در اجرای آن دیده می‌شود و نیز دار زدن‌های علنی مورد انتقاد قرار گرفته است. نماینده ویژه مایل به تأکید بر این اطلاع داده شده از سوی مقامات ایرانی است که اعدام در ملأ عام در هیچ مذهب و قانونی اجباری نیست.

۲۹ - روشن است که وضعیت فعلی در ارتباط با مجازات اعدام، در انطباق با معیارهای بین‌المللی در این مورد نیست. نماینده ویژه نگران است که در این مورد، به نظر نمی‌رسد پیشرفتی در احترام کامل به حق زندگی در جریان باشد.

ب - زندانیان سیاسی و عقیدتی

۳۰ - مقامات عالی‌رتبه ایرانی تأکید کرده‌اند که در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد. از آنجا که به نظر می‌رسد ارائه تعریف عینی از اصطلاح «زندانی سیاسی» دشوار باشد، نماینده ویژه اصطلاح «زندانی عقیدتی» را ترجیح می‌دهد. این اصطلاح به طور کلی چنین تعریف شده است: «کسانی که به خاطر نژاد، مذهب، مثنی سیاسی، زبان، عقاید خود و یا دلایل مشابه زندانی شده‌اند و نه خود مرتکب قهر شده‌اند و نه از اعمال آن دفاع کرده‌اند». این تعریف نیز با دشواری تفسیر روبرو است، چرا که مستلزم تعیین قصد فرد یا سازمانی است که ترتیب بازداشت را داده است. با این حال، از نظر نماینده ویژه، برخی نتیجه‌گیری‌ها می‌تواند و باید در مواردی که دلایل قابل قبول دیگری برای بازداشت دیده نمی‌شود، انجام گیرد.

۳۱ - اتهامات گسترده‌ای وجود دارد حاکی از آنکه حداقل تعدادی زندانیان عقیدتی کماکان در زندان‌های ایران به سر می‌برند. نماینده ویژه این امر را مهم می‌داند که دولت به طور جدی به اتهامات در این مورد که از سوی منابع مسئول ابراز می‌شوند، توجه کند. نماینده ویژه به روال تاکنونی خود در جمع‌آوری اطلاعات در موارد معین ادامه می‌دهد و امیدوار است دولت پاسخ‌هایی ارائه دهد که به طور مشخص به موارد اتهام پردازد، نه اینکه به تکرار اصطلاحات دوپهلوی اتهامات علیه زندانیان بسنده کند.

۳۲ - تصویب الحاقیه‌هایی به قوانین از سوی مجلس در مورد مهریه (مبلغی که شوهر با عقد ازدواج در قبال همسرش متعهد می‌شود)، امری که تا کنون به عنوان عرصه انحصاری روحانیون قلمداد می‌شد، ج - تصویب قوانین و مقررات جدیدی در ارتباط با مزایای خانوادگی برای زنان شاغل و بازنشسته، در ارتباط با حمایت از مادران شاغل هنگام نگهداری از فرزندانشان و افزایش مرخصی بارداری به چهار ماه، ج - انتقاد علنی از شورای نگهبان به خاطر عدم حضور زنان در ترکیب آن ج - تعدادی مقالات اساسی در نشریات زنان که برخی از آنها به قلم روحانیون است و در آنها از تغییر بنیادین در برقرار حکومت به زنان دفاع شده است، خ - تداوم گزارش‌ها دایر بر اینکه علیرغم اختلافات میان گروه‌های زنان پیرامون برخورد آنها به تحولات، آنها در رد سنت پدرسالارانه اسلامی در وضع مقررات شرعی متفق‌القولند، د - انتصاب اخیر یک زن به سمت شهردار یک منطقه از تهران، ذ - اعلام ارائه قریب‌الوقوع لایحه‌ای در مورد وضعیت مدنی زنان و سایر مسائل مربوط به خانواده و زنان، ر - این گزارش که پیشنهادی به کابینه ارائه شده است دایر بر اینکه ایران به منشور حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان بپیوندد، ز - مباحث فعال در نیویورک بین مقامات ایرانی و دایره پیشرفت زنان درباره ارائه کمک‌های کارشناسی، از جمله شرکت در یک میزگرد مشترک در تهران در فوریه ۱۹۹۷.

۲۶ - در نتیجه، نماینده ویژه بر آن است که در ایران، فضایی از تغییر در رابطه با وضعیت زنان وجود دارد. احتمالاً در برابر چنین چشم‌اندازی، مخالفتی جدی چه در درون و چه در بیرون از حکومت وجود دارد. در میان کسانی که از تغییر دفاع می‌کنند، واقعاً ممکن است توجه به حقوق بشر تنها یکی از نکات متعدد مورد نظر باشد. علاوه بر این، اگر تغییرات اساسی روی دهد، ممکن است این تغییرات ناهمگون باشد. در مجموع، ایران فاصله زیادی با همخوانی با معیارهای بین‌المللی دارد، اما نشان‌های روشنی دیده می‌شود حاکی از اینکه شاید پیشرفت‌هایی حاصل شود. این تغییرات باید واقعی باشد و نیروی این حرکت باید حفظ شود.

فصل سوم - مسائل حقوقی

الف - مجازات اعدام

۲۷ - صدور حکم اعدام و نیز اجرای آن ظاهراً در موارد متعددی ادامه دارد. برخی گزارش‌های خارجی حاکی است شمار اعدام‌ها در ۱۹۹۶ دو برابر رقم آن در ۱۹۹۵ بوده است. نماینده ویژه بارها خواهان آمار رسمی در این مورد شده اما تاکنون پاسخی دریافت نکرده است. گزارش‌ها حاکی است بسیاری از احکام اعدام در رابطه با جرایم مربوط به مواد مخدر صادر می‌شود. اخیراً موارد اتهام جاسوسی به طور ناگهانی بالا رفته است. این اتهام همانگونه که موارد اخیر نشان داده است می‌تواند به مجازات اعدام منجر شود.

۲۸ - صدور احکام اعدام در ایران به خاطر شمار زیاد جرمه صدور اجازه پلیس، برای انجام فعالیت‌های گروه‌های

ت - گروه‌های ماورای قانون

۳۵ - اغلب جوامع، دارای مقررات کاملاً مشخص، از جمله صدور اجازه پلیس، برای انجام فعالیت‌های گروه‌های

غیردولتی در اماکن عمومی هستند. این فعالیت معمولاً به‌عنوان استفاده از حق آزادی بیان که یک حق مهم مدنی است قلمداد می‌شود. در اغلب جوامع، حدود مشخصی برای اعمال مجاز وجود دارد. از جمله اعمال غیرمجاز، اعمال قهر یا تهدید به اعمال آن است، و یکی دیگر عبارتست از گرفتن اجرای قانون به دست خود.

۳۶ - به نظر می‌رسد در ایران شماری گروه‌های خصوصی و یا شبه خصوصی وجود دارند که در بیان نظرات یا دیدگاه‌های خاص، هر از گاهی حدود ابراز مسالمت‌آمیز عقیده را نقض می‌کنند. کماکان گزارش‌هایی به نماینده ویژه می‌رسد دایر بر اینکه گروه‌هایی نظیر انصار حزب‌الله در مواجهه با اشخاص حقیقی از قهر یا تهدید قهر به عنوان وسیله ارباب استفاده می‌کنند. تفاوت آشکاری بین اقداماتی که می‌توان آن را تبلیغ مسالمت‌آمیز ارزش‌های اخلاقی نامید و توسل به ارباب وجود دارد. نماینده ویژه خاطرنشان می‌کند که بنا به گزارش مطبوعات، یک روحانی عالی‌رتبه کماکان به ترویج چنین رفتاری مشغول است. آن هم تا حدی که خواهان بی‌اعتنایی به قوانین معتبر کشور شده است. دولت به نوبه خود به نماینده ویژه اطلاع داده است که ارگان‌های دولتی به تلاش‌هایی جدی برای کنترل اعمال افراطی چنین گروه‌هایی دست می‌زنند. نماینده ویژه، موفقیت این تلاش‌ها را با علاقه دنبال خواهد کرد.

ث - الحاقیه‌ها به قانون مجازات اسلامی

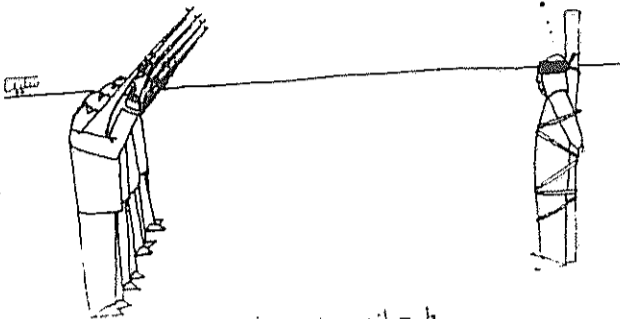
۳۷ - نماینده ویژه در گزارش قبلی خود خاطرنشان کرد که شماری تغییرات در قوانین کیفری ایران داده شده است، به خصوص در زمینه مجازات. نماینده ویژه، اطلاعات متناقضی در مورد ماهیت این تغییرات دریافت کرده بود، اما توانسته بود این نتیجه را بگیرد که این تغییرات ظاهراً در جهت سخت‌تر کردن مجازات بوده است.

۳۸ - نماینده ویژه امیدوار بود بتواند در این مورد در جریان سفری به ایران، با مقامات ایرانی مذاکره کند. اما بدیعی است که فرصتی برای این مذاکرات به دست نیامد. با این حال، مقامات ایرانی در ژانویه ۱۹۹۷ به نماینده ویژه متن فارسی کامل این الحاقیه‌ها را ارائه کردند. این متن اکنون در دست ترجمه است. مقامات ایرانی همچنین به زبان انگلیسی مروری بر این الحاقیه‌ها ارائه داده‌اند که حاکی است موارد مجازات، نرم‌تر شده است. نماینده ویژه، در گزارش دیگری درباره این موضوع نظر خود را ارائه خواهد داد.

ج - سایر مسائل حقوقی

حق استفاده از عفو، استیناف و فرجام

۳۹ - برای نماینده ویژه روشن نیست که این حق چگونه تأمین می‌شود، روال آن چگونه است و چه تعداد افراد از آن استفاده کرده‌اند. در این مورد نیاز به علینت بیشتری وجود دارد.



طرح از: سعید درم‌بخش

اصل برائت

۴۰ - نماینده ویژه خاطر نشان می‌کند که اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اصل برائت تأکید می‌کند. لازم است روشن شود این اصل بنیادین حقوق بشر چگونه در عمل تأمین می‌شود.

مدارک اثبات جرم

۴۱ - کسب اطلاعات بیشتر درباره نحوه کاربرد چهار نوع اثبات جرم در نظام حقوقی ایران، که عبارتست از اعتراف، شهادت، سوگند و «علم قاضی» ضروری است. به ویژه وسیعاً این نگرانی وجود دارد که اقرار را اغلب از طریق ارباب می‌گیرند، و «شهادت مؤمنین» در عمل به معنی محروم کردن زنان و اقلیت‌های مذهبی است.

شکنتجه

۴۲ - طبق اصل ۳۸ قانون اساسی، استفاده از شکنتجه «برای کسب اقرار یا اطلاع» ممنوع است. با این حال، اتهامات گسترده‌ای حاکی از این وجود دارد که این گونه اعمال ادامه دارد. مهم است که دولت به جای تکذیب ساده این اتهامات، به آنها به طور مشخص بپردازد. دولت می‌تواند رسیدگی به این اتهامات را به کمیسیون اسلامی حقوق بشر واگذار کند و سپس نتایج این تحقیق را منتشر سازد.

مجازات خشونت‌بار و غیرمتعارف

۴۳ - در مطبوعات ایران کماکان گزارش‌هایی درج می‌شود حاکی از اینکه مجازات جسمی اجرا می‌شود. چنین مجازاتی، از جمله به ویژه سنگسار و قطع اعضای بدن، به روشنی مغایر با معیارهای موجود بین‌المللی است. نماینده ویژه با استدلال کسانی موافق است که با این نوع مجازات مخالفت، حتی اگر با صدور احکام آن در یک روند به لحاظ صوری قانونی، کوشش شده باشد که به آن حکم مجازات عادلانه داده شود.

ادامه گزارش در شماره بعد

صدایی دیگر، فاجعه‌ای دیگر!

محسوب می‌شود؟ وابستگی پدرم به فراماسونری کاملاً نادرست است.

کاملیا با صدایی لرزان ادامه می‌دهد: من سه سال و نیم است که صدای پدرم را از طریق تلفن نشنیده‌ام. فقط یک بار به او نامه نوشتم زیرا او را به خاطر نامه من تحت فشار قرار دادند. پدرم از من خواست که دیگر هیچ چیزی برای او نفرستم. خانواده‌ام ممنوع‌الخروج‌اند. تمام کاغذها و نوشته‌های موجود در خانه را ضبط کردند. تنها صدای من برای دفاع از پدرم باقی مانده است. آنها انسانی بی‌گناه را می‌خواهند همانند یک سگ به قتل برسانند. لطفاً برای او کاری بکنید!

به نقل از روزنامه بلژیکی «LE SOIR» ۳ مارس ۹۷ برگردان - علی صمد (پژمان)

توقیف فصلنامه «زنده‌رود»

اجازه نداد توزیع شود و همه نسخه‌های آن را نابود کرد. هدف رژیم از تعطیلی نشریات مستقلی مثل زنده رود که با تحمل خفقان شدید فرهنگی و سیاسی و فشار مالی تلاش می‌کنند به حضور خود ادامه دهند و آثار هنرمندان دگراندیش را چاپ کنند قطع ارتباط میان نویسندگان و مردم است. رژیم می‌خواهد روزگار را چنان بر نویسندگان و هنرمندان تنگ کند که به سکوت و خانه‌نشینی و یا ترک کشور تن دهند.

در جریان کنفرانس مطبوعاتی «فدراسیون جهانی حقوق بشر» ناگهان دختری بلوند و جوان وارد می‌شود و به زبان فرانسه فریاد می‌زند «کمکم کنید!» کاملیا یک ایرانی پناهنده در فرانسه است و تقاضای او برای کمک تأثرانگیز است و بیانگر نومیذی عمیق او به خاطر سرنوشت پدرش محمد اسدی است.

پدر من در سپتامبر ۱۹۹۳، بدون هیچ علت و توضیحی دستگیر شد؛ و امروز او را به مرگ محکوم کرده‌اند. ما نمی‌دانیم او را چه وقت و بر اساس کدام مدارک محاکمه کردند. تنها چیزی که به صورت رسمی آنها (مسئولین قضایی حکومت ایران) گفتند این بود که او را به خاطر «جاسوسی به نفع اسرائیل» محکوم کرده‌اند. این صحت دارد که او یک مسافرت توریستی قبل از انقلاب به اسرائیل داشته است ولی کسجای ایسن عمل جنایت

جمهوری اسلامی یکی دیگر از نشریات مستقل را توقیف کرد. هفته گذشته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به حسام‌الدین نبوی‌نژاد مدیر مسئول و صاحب امتیاز فصلنامه زنده‌رود اعلام کرد که اجازه انتشار این فصلنامه لغو شده و دیگر نباید چاپ و توزیع شود. در تهیه مطالب و ادامه فعالیت «زنده رود» هوشنگ گلشیری و احمد میرعلایی با حسام‌الدین نبوی‌نژاد همکاری می‌کردند. میرعلایی سال گذشته توسط مأموران امنیتی به قتل رسید. در پی آن فصلنامه زنده‌رود ویژه‌نامه‌ای تهیه کرد که وزارت ارشاد

در آستانه امروز

پژوهشی در سرشت و سرنوشت جهان بینی سوسیالیسم

قسمت دوم

تعریف سوسیالیسم

پیش از آنکه بررسی انتقادی سوسیالیسم را آغاز کنیم درست است که بار دیگر به تعریف مارکسیستی آن (که مورد استناد این نوشته است) نگاهی بیندازیم. نخستین تعریف از سوسیالیسم در مفهوم مارکسیستی آن (سوسیالیسم علمی) در «مانیفست...» آمده است. همانگونه که از انگلس نقل شد، در آن زمان او و مارکس به جای «سوسیالیسم» اصطلاح «کمونیسم» را به کار می بردند. از این رو تعاریف و توضیحات آنان بیشتر به کمونیسم برمی گردد. «مانیفست» در باره کمونیسم (سوسیالیسم علمی) چنین می گوید:

آزمونهای تاریخ تا امروز نشان نمی دهند که جهانیستی های دادخواهانه کمابیش بر پایه دخالت عقل و آرزو در ضرورت و جبر عینی شکل می گیرند، نه بر پایه متابعت صرف از این ضرورت و جبر

«وجه تمایز کمونیستها با دیگر احزاب پروتئری تنها در آن است که از یک سو در مبارزات پروتئری ملت های گوناگون منافع مشترک مجمرعه پروتئری را که به ملیت بستگی ندارد برمی شمارند و از سوی دیگر در مراحل گوناگون گسترش مبارزه میان پروتئریا و بورژوازی بیانگر منافع جنبش در مجموع آن هستند... هدف عاجل کمونیست ها همان است که دیگر احزاب پروتئری در پی آنند، یعنی تشکیل پروتئریا در نقش یک طبقه، برانداختن تسلط بورژوازی و تصرف قدرت سیاسی توسط پروتئریا».

مارکس و انگلس برای نشان دادن اهمیت امر مالکیت اجتماعی در کمونیسم و سوسیالیسم می گویند: «... کمونیستها می توانند تئوری خود را در یک عبارت خلاصه کنند: برانداختن مالکیت خصوصی» انگلس در اثر آموزشی خود بنام «اصول کمونیسم» که به صورت پیش و پاسخ تدوین شده است این تعاریف را تکمیل می کند. او در آغاز این رساله می گوید: «کمونیسم عبارت است از علم شرایط رهایی پروتئریا» در اواسط این رساله یک تعریف جامع تر و به دیدگاه های امروزی نزدیک تر ارائه می شود:

«سوسیالیسم عبارت است از اقتصاد طبقه نشسته اجتماعی که بر اساس مالکیت عمومی بر وسایل تولید یک اقتصاد منظم مبتنی بر احتیاجات عمومی ایجاد نماید». تعریفی که در آخر این بخش از راسل خواهیم آورد به این تعریف دقت و فراگیری بازم بیشتری می دهد. مارکس و انگلس در «مانیفست» گوهر کمونیسم را به تعریف کشیده اند. از همین رو، تعاریفی که بعدها توسط دیگر اندیشمندان سوسیالیست ارائه شده است همگی در خطوط بنیادی با تعریف و توضیح «مانیفست» و دیگر آثار مارکس و انگلس پیوند می یابند.

ژرژ بورژون و پیر ریمر، که از زمره اندیشه پردازان ژرف و متین سوسیالیسم به شمار می روند، در اثر مشترک خود «سوسیالیسم» کشیده اند تا همه جوانب سرشتی و پایدار سوسیالیسم را در یک تعریف جامع بگنجانند. آنها توضیح می دهند که نه دیدگاه سوسیالیسم در باره مالکیت و نه دید آن در باره دولت به تنهایی نمی تواند مبنای تعریف سوسیالیسم قرار بگیرد. آنها می نویسند: «... ما سوسیالیسم را به عنوان شکلی از جامعه تعریف می کنیم که اصول آن از این قراراند:

۱- مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید. ۲- استفاده دموکراتیک از این ابزار. ۳- متوجه ساختن نیروی مولده به سوی برآوردن احتیاجات توده مردم. تحقق یافتن چنین اجتماعی نه فقط مالکیت را از بین می برد بلکه منجر به حذف مالکیت ملی هم می شود. این اندیشه پردازان در ادامه می نویسند: «سوسیالیسم یک شکل تاریخی جامعه می باشد، شکلی که پس از رسیدن جامعه به درجه خاصی از تکامل جنبه ضرورت پیدا می کند.» (سوسیالیسم - ژرژ بورژون و پیر ریمر - ترجمه منصور مصلحی)

در نیمه دوم سده بیستم، برخی از تعاریف سوسیالیسم، در مقایسه با تعاریف مارکس و انگلس و لنین، نوعی تعدیل در برخورد با مالکیت را نشان می دهند. مثلاً تعریف سوسیالیسم در واژه نامه انگلیسی اکسفورد چنین است: «سوسیالیسم تئوری یا سیاستی است که هدف آن مالکیت یا نظارت جامعه بر وسایل تولید - سرمایه، زمین، اموال و جز آنها - بطور کلی، و اداره آنها به سود همگان است» (دانشنامه سیاسی - داریوش آشوری)

چاگیری «یا» در میان مالکیت و نظارت، در مقایسه با نظر مارکس و انگلس که خواستار مالکیت و نظارت هستند ایجاد تعدیل می کند.

برای آنکه امکان مقایسه را گسترش دهیم نظر حزب کمونیست سوئد را به عنوان نمونه نظرات نوین حزب های کمونیست معتقد مسکو، و نظر حزب سوسیال دموکرات سوئد را همچون

نموداری از آخرین برداشتهای احزاب سوسیال دموکرات در اینجا می آوریم. حزب چپ سوئد که سومین حزب این کشور است و نزد مردم دارای اعتبار است در آخرین برنامه خود چنین می نویسد:

«حزب چپ یک حزب سوسیالیست است. ما برای جامعه های می گوئیم که در آن همه انسانها برابر بوده و از حق برابر در استفاده از زندگی خوب برخوردار باشند... حزب چپ برای محور سرمایه داری می گوید. ما علیه تقسیم جامعه به طبقات فرادست حاکم و طبقات فرودست زیر ستم مبارزه می کنیم... سوسیالیسم ما بر اندیشه خودگردانی استوار است و اشتیاقی انسانها برای آزادی، برابری، دموکراسی و محیط زیست خوب را بازتاب می دهد. ما با خلقهای زیر ستم بخش های فقیر جهان احساس همبستگی می کنیم...» (خلاصه شده از اصول برنامه جدید حزب چپ سوئد)

می بینیم که همه چیز گفته می شود مگر براندازی مالکیت خصوصی یا اجتماعی شدن مالکیت وسایل تولید. ممکن است گفته شود که اندیشه «براندازی سرمایه داری»، «خودگردانی» و مخالفت با «تقسیم جامعه به طبقات» در تعریف این حزب مبین موضع آن در باره شکل مالکیت است. هم آری و هم نه، سکوتی که در اینجا به چشم می خورد خود سرشار از ناگفته هاست. کمترین معنی آن این است که باید در این باره سکوت کرد، و در بهترین حالت این دعوتی است به بررسی و بازنگری.

سوسیال دموکرات های نیمه دوم سده بیست، با هدف

اگر عدالت فرمانروای همیشه تاریخ می بود، تکیه بر ضرورت و جبر می توانست انسان را یک راست به اتوبیای خود برساند. اما در این تاریخ، نه فرمانروا بلکه فرمانسئیر پیامدار اصلی داد بوده است.

نزدیک شدن به واقعیات روزگار ما، و نیز برای هرچه مهربان تر کردن چهره سوسیالیسم برای سرمایه داری، تعریف سوسیالیسم را از چارچوب تعاریف مارکس و انگلس بیرون آورده اند. آنچه که در آخرین برنامه حزب سوسیال دموکرات سوئد آمده است نمودار همین گرایش است. این حزب، که در تاریخ سوسیال دموکراسی از همه بیشتر قدرت را در دست داشته و برجسته ترین آزمونهای سوسیال دموکراتیک را در کشور خود انجام داده است، در برنامه خود چنین می گوید: «... سوسیال دموکراسی خواستار برپایی جامعه ایست که در آن همه مردم در امر تولید و توزیع حق تصمیم گیری داشته باشند و همه اعضای جامعه از وابستگی به هرگونه گروه بندی بیرون از اراده آنان رهایی یابند و نظام طبقاتی جای خود را به همبستگی انسانها برای همکاری بر پایه آزادی و برابری بدهد. این پیش اجتماعی سوسیالیسم دموکراتیک نمودار خواست آن برای عملی کردن اندیشه آزادی، برابری، تعهد و همکاری مشترک است.» (برنامه حزب سوسیال دموکرات سوئد آوریل ۱۹۶۶)

می بینیم که در اینجا هم از پایان دادن به «نظام طبقاتی» سخن در میان است، اما از براندازی مالکیت خصوصی و سرمایه داری، یعنی آنچه مانیفست تعریف خود را بر آن استوار کرده و در آن خلاصه نموده است اثری نیست. این که «همه مردم در امر تولید و توزیع حق تصمیم گیری داشته باشند» و «نظام طبقاتی جای خود را به همبستگی انسانها برای همکاری بر پایه آزادی و برابری بدهد» بیشتر احکامی اخلاقی هستند تا حقوقی و از این رو بیشتر نیکوکاری هستند تا عدالت. بی آنکه در اینجا بخواهیم در باره این تعاریف به قضاوت نهایی به پردازیم می توانیم بگویم که برخی از احزاب سوسیال دموکرات در جهانیستی سخت تخیلی و بر عکس در عمل بسیار پراگماتیست هستند. مقایسه همین تعریف با تعریف «مانیفست» و با تعریف راسل - که در زیر خواهد آمد - نشان می دهد که سوسیال دموکراسی تعریف خود را بیش از پیش به خیرات و اخلاقیات نزدیک کرده است، در حالی که تعریف مارکسیستی بر امر عدالت متکی است. مارکس فیلسوف به خوبی از تسفاوت «نیکوکاری» و «داد» و دوگانگی جهانیستی های مبتنی بر تعدیل و عدالت آگاه بوده است. اتفاقاً او و انگلس سوسیالیسم تخیلی را از همین زاویه مورد انتقاد قرار می دادند. در جای خود به بررسی این گرایش ها خواهیم پرداخت.

اکنون شایسته است که همین جا در پایان بخش و برای فراهم کردن بهتر امکان مقایسه، تعریف فراگیر و کامل برتراند راسل از سوسیالیسم را بیاوریم، که می توان آن را معتبرترین تعریف پیش از دگرگونیهای اخیر دانست. آخرین نظریات و انتقادات امروزی، به موازات نقد و بررسی سوسیالیسم در دوران جدید که موضوع اصلی بحث ما است خواهند آمد. تعریف برتراند راسل چنین است: «سوسیالیسم به معنای مالکیت مشترک زمین و سرمایه تحت یک شکل دموکراتیک حکومت است و مستلزم آن

است که تولید به منظور استفاده و نه به منظور سودجویی هدایت شود. به علاوه تقسیم تولیدات بایستی به طور تساوی انجام گیرد و در صورتی که این امر ممکن نباشد باید طوری باشد که لااقل بتوان این عدم تساوی در توزیع را با تأمین منافع عمومی توجیه نمود». (نقل از دکوژی: مراحل قانون)

تأکید برتراند راسل روی «شکل دموکراتیک حکومت» و شیوه تقسیم تولیدات یک گام به جلو در مقایسه با تعریف ارتدکس مارکسیستی است و مبتنی بر انتقادات جدی به عملکرد نادمکراتیک دولت های سوسیالیستی بوده است. متأسفانه این تعاریف بسیار زیبا و به لحاظ فلسفی و منطقی کامل، گاه در عمل مجبور می شوند تا به زانو در گل و لای واقعیت داد گریز فرو برونند، و اگر سیاست گران مجری، به چنین نسخه هایی وفادار بمانند چه بسا ناچار شوند جوشن استالیانی به تن کنند. همه فلاسفه محترم هستند و همه سیاست گران مورد شک، چرا که گروه نخست مشکلات عملی حرفه ای پرشکوهِ خود را بر گرده گروه دوم می گذارند. فیلسوف (به حق) هم «شکل دموکراتیک حکومت» را می خواهد و هم «مالکیت مشترک زمین و سرمایه». را. در حالی که مشکل سیاست جمع کردن این دو پدیده نیکو زیر یک سقف است!

مجموع نظریات و تعریف هایی که در اینجا آوردیم (به استثنای جنبه های قبایل بحث نظریات حزب سوسیال دموکرات) بر پایه و یا در تأیید اندیشه های زیر هستند:

- ۱- سوسیالیسم متکی است بر مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید و استفاده دموکراتیک از این ابزار. ۲- سوسیالیسم سمت دهنده نیروی مولده برای برآوردن احتیاجات توده مردم است. ۳- سوسیالیسم یک ضرورت و جبر تاریخی است که عامل اقتصاد محرمک بنیانی آن است. ۴- سوسیالیسم یک نظام مشخص اقتصادی، اجتماعی با رونمای خاص خود است. ۵- گزار از نظام سرمایه داری به نظام سوسیالیستی از راه یک «انقلاب اجتماعی» صورت می گیرد، که بر اثر ایستادگی نظام سرمایه داری در برابر پیشویش نیروهای تولیدی شرایط و ضرورت آن فراهم می گردد.

سوسیالیسم:

الگوی اختیاری، نظام ضروری، روند ممکن به دلیل اهمیتی که اندیشه «گریز ناپذیری تاریخی» نظام سوسیالیستی در جهانیستی سوسیالیسم و در تبدیل مارکسیسم بنیادگرا به یک کیش کمابیش ایستا داشته است.

تصویری که مارکس و انگلس از کمونیسم آرمانی آینده ترسیم کرده اند در بهترین حالت هم نسبی توانست کاملاً از خیالپردازی میرا باشد.

بررسی خود را از همین مسأله آغاز می کنیم. در این جا سه برداشت از سوسیالیسم و چگونگی پیدایش آن را (جدا از چستی خود سوسیالیسم) با هم می سنجیم. برداشت نخست (که مانیفست آن را به سوسیالیسم تخیلی نسبت می دهد) سوسیالیسم را همچون یک اوتوپیا یا الگوی اجتماعی (طراحی شده توسط بهبود خواهان اجتماعی) می داند که دستیابی به آن در گرو عمل ارادی و اختیاری انسانها، به ویژه حکومت های وقت است. برداشت دوم (برداشت سنتی مارکسیسم) سوسیالیسم را یک نظام اجتماعی برآینده از فرایند تکامل تاریخی می داند که پیدایش آن یک ضرورت و جبر تاریخی است. در انتقاد به این دیدگاهها، یا در تکمیل و گسترش دیدگاه ضرورت تاریخی، اندیشه های به میان می آید که ساختارها یا نظام های اجتماعی را به صورت روند و پیدایش آنها را به صورت امکان (و نه اجبار) ارزیابی می کند. روند دیدن حرکت جامعه در جهانیستی مارکسیستی ریشه های نیرومندی دارد، اما تکیه بر «امکان تاریخی» به جای «جبر تاریخی» بحث انجام نیافته است.

سوسیالیسم همچون الگوی اختیاری

«سوسیالیست های تخیلی» با خیر خواهی و نیت دفاع از تهیدستان، بدون بررسی درست شرایط عینی جامعه و جهان، آرمانشهرهای اجتماعی - سیاسی اختراع می کردند و از مردم و حکومت های وقت می خواستند که برای نجات بشریت از فقر و رنج، آن نظام های آرمانی را پیاده کنند. مارکس و انگلس این الگوهای اختراعی و شیوه اختیاری تحقق آنها را، که از سوی آفرینندگانشان پیشنهاد می شد، مورد انتقاد قرار می دادند. مانیفست انواع سوسیالیسم پیشین را زیر عنوان «سوسیالیسم ارتجاعی» (شامل سوسیالیسم فئودالی و خرده بورژوازی)، «سوسیالیسم محافظه کار یا بورژوازی» و «سوسیالیسم و کمونیسم انتقادی - تخیلی» دسته بندی کرده و با اشاره به مکاتب سوسیالیسم و

کمونیستی کسانی چون سن سیمون، فوریه و اوون می گوید: «بنیان این مکاتب فعالیت ابداعی شخص خود را جایگزین فعالیت اجتماعی، شرایط پرورده پندار خویش را جایگزین شرایط تاریخی لازم برای رهایی پروتئریا، تشکل جامعه بر وفق نسخه من درآوردی خویش را جایگزین تشکل تدریجی خودپروی پروتئریا به صورت یک طبقه می سازند. تاریخ آینده جهان به نظر آنان در تبلیغ و تحقق نقشه های اجتماعی خودشان خلاصه می شود».

«مانیفست...» روش کمونیست ها را در برابر این خیالپردازیهای دور از دانش و آزمون چنین اعلام می دارد: «احکام تئوریک کمونیستها به هیچ وجه بر پایه اندیشه ها و اصول ابداعی یا اکتشافی این یا آن مصلح جهان استوار نیست. این احکام فقط بیان عام شرایط واقعی مبارزه طبقاتی موجود، یعنی آن جنبش تاریخی است که در برابر دیدگان ما تحقق می پذیرد».

این اندیشه که نمی توان یک الگوی اختراعی را به گونه اختیاری به تاریخ و جامعه بشری تحمیل کرد، چنانچه از مطلق گرایی پرهیز شود، کاملاً درست و ثابت شده است. تاریخ نشان می دهد که یک الگوی خودساخته ممکن است بطور ارادی در یک دوره گذرا واقعیت پیدا کند؛ مثل جامعه

فیلسوفان همواره نظمی بیش از حد واقعاً شناخته شده را به روندهای عینی نسبت داده اند و به نسبت بزرگی خود تحمیل های بزرگتری را به واقعیت روا داشته اند.

ژوئیته در پاراگوئه و نظام سیاسی کاست روحانی در ایران. اما روندهای تاریخی - اجتماعی بطور کلی از قانونمندیهای ویژه خود برخوردار هستند و این قوانین، که بر یک شالوده عینی یا مادی استوار هستند، معمولاً راه خود را باز می کنند. اما آیا به راستی مانیفست خود از خیالپردازی به دور است؟ مارکس و انگلس حد اکثر می توانستند مدعی شوند که آنچه خود در باره سرشت و سیمای کمونیسم آینده می گویند فرضیات مستندی است که اثبات آنها به نظر قطعی می رسد. ولی فرضیه - که خود مبین این امکان است - با پیش بینی و تخیل (برخورد علمی) همراه است. پس، منطقاً تصویری که مارکس و انگلس از کمونیسم آرمانی آینده ترسیم می کردند در بهترین حالت هم نسبی توانست کاملاً از خیالپردازی میرا باشد. آنان به این امر آگاهی داشتند و در آثار خویش به آن اشاره هایی کرده اند.

کوشش مارکس و انگلس برای شناخت عینیت و ضرورت تاریخی - اجتماعی و متکی شدن به آن در سازماندهی جنبش سوسیالیستی و در ترسیم آماجهای این جنبش به راستی یک انقلاب در اندیشه سیاسی - اجتماعی بود. اما کشیده شدن تدریجی دیوار چین بین «سوسیالیسم تخیلی» و «سوسیالیسم علمی» دارای جنبه های قابل انتقاد بوده است. واقعیت این است که نه اوتوپیا از ضرورت عینی تپه بود و نه نظام سوسیالیستی از تخیل. آزمونهای تاریخ تا امروز نشان می دهند که جهانیستی های دادخواهانه کمابیش بر پایه دخالت عقل و آرزو در ضرورت و جبر عینی شکل می گیرند، نه بر پایه متابعت صرف از این ضرورت و جبر. اگر عدالت فرمانروای همیشه تاریخ می بود، تکیه بر ضرورت و جبر می توانست انسان را یک راست به اتوبیای خود برساند. اما در این تاریخ، نه فرمانروا بلکه فرمانسئیر پیامدار اصلی داد بوده است. این خود نشان می دهد که به این تاریخ نمی توان بیش از اندازه خوشبین بود. دست کم آن بخش از موجودات زنده که هنوز به دست انسان نابود نشده اند دلایل قطعی برای بدبینی به این تاریخ در اختیار دارند!

پس، اگر درست باشد که عدالت اجتماعی را عقل (در پیوند با ضرورت) طراحی می کند و نه جبر کور، آنگاه می توان گفت که جهانیستی داد همواره ترکیبی است از ضرورت عینی و ضرورت عقلی، که خود همراه است با خواست و خیال. از این رو می توان گفت آرمان «سوسیالیسم علمی» هم مثل اوتوپیا «سوسیالیسم تخیلی» خستی از واقعیت داشت و خستی از خیال؛ یا این تفاوت که خشت های واقعیت در اینجا بسی افزونتر و افزاینده تر بوده است.

سوسیالیسم همچون نظام ضروری

مارکسیسم عامل ارادی - اختیاری جهانیستی سوسیالیست های اوتوپست را قاطعانه با عامل ضروری - جبری جایگزین کرد. ضرورت و جبر تاریخی، که باعث می شود تا پنج صورت بندی اقتصادی - اجتماعی به ترتیب در تاریخ ظاهر شوند و هر یک ناگزیر جای خود را به نظام بعدی بدهند، شالوده جهانیستی تاریخی مارکسیسم است. اما مارکسیسم - علیرغم انتقاد خود به اوتوپست ها - الگوی از پیش مشخص شده را (در چارچوب طرح صورت بندی اجتماعی - تاریخی سوسیالیسم، دوباره به میان آورد. همانطور که دیدیم «مانیفست» تصویر کاملاً مشخصی از این نظام را پیش روی خواننده می گذارد. در آثار بعدی مارکس و انگلس این تصویر روشن تر و روشن تر می شود. سوسیالیسم یک نظام اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی مبتنی بر مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید است که در آن بهره کشی و هرگونه ستم انسان بر انسان پایان می پذیرد، خودگردانی خردمندانه اجتماعی جایگزین دولت و حاکمیت و کنترل دولتی می شود، تولید در خدمت نیازهای انسانها قرار می گیرد و در نهایت، زندگی آدمی بر پایه اصل «از هرکس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش» سامان می یابد. این تصویر شکوهند و بینهایت انسانی نه تنها از همه الگوهای تخیلی

نشریه کار، صفحه «با خوانندگان» خود را به بازتاب نظرات و نوشته‌های کوتاه، طرح پرسش‌ها و پیشنهادها خوانندگان اختصاص داده است. در این صفحه مطالب از خوانندگان درج خواهد شد که به دلیل موضوع و مسأله‌ها نوشته، کیفیت نگارش، حجم مطلب و یا زمان دریافت آنها، امکان چاپ در دیگر صفحات نشریه وجود ندارد.

توضیح پیرامون برخی مطالب ارسالی، پاسخ به پرسش‌های طرح شده و نیز خبر دریافت نوشته‌هایی که به طور کامل و یا بخشی از آنها در نشریه چاپ نمی‌شود، در همین صفحه درج خواهد شد. مسی‌کوشیم این صفحه در چیدمانی گشاده و عرصه‌ای فعال برای ارتباط با خوانندگان نشریه باشد.

علم بهتر است یا ثروت؟

بچه که بودیم بارها در این مورد انشاء نوشتیم که علم بهتر است یا ثروت؟ اما یکبار حتی از خودمان نپرسیدیم و کسی هم در کلاس مطرح نکرد که اگر ثروتی در کار نباشد، چطور می‌توان مدرسه ساخت و علم را رونق داد؟ ما دانش‌آموزان با نوعی سادگی، خلوص و خامی می‌نوشتیم که آری، اگر من علم داشته باشم بهتر از آن است که ثروت داشته باشم. در حالی که زندگی واقعی، خلاف آن را نشان می‌داد. آموزگار ما اگر سواد بیشتری داشت حتی می‌توانست ادعا کند که ما ایرانیان نه تنها اکنون علم را برتر از ثروت نمی‌دانیم، بلکه در طول تاریخ هم، همواره ثروت را ارج نهاده و به علم بی‌اعتنائی کرده‌ایم. سوره‌های مکه‌ای که علم محض، خالی از زرق و برق مادی مطرح بوده است. مگر شیمی و کیمیاگری برای تبدیل اجسام به فلزی قیمتی مثل طلا نبود؟ و مگر ستاره‌شناسی با بخت و اقبال شاهان و زرمندان گره نخورده بود؟

می‌خواستم سرگذشت آقای فرج سرکوهی را مطرح کنم؛ اینکه هنوز هم که هنوز است ما ایرانیان نسبت به ثروت دیدگاهی غیرواقع‌بینانه داریم. چطور است که آقای سرکوهی آنقدر مهم است که این همه در صدر روزنامه‌ها و نشریات ایرانی منتشره در خارج از کشور جای می‌گیرد، اما از بدھکاری ۴۰ میلیارد دلاری ایران خبری نیست؟ کدامیک مهمتر است: آقای سرکوهی یا ۴۰ میلیارد دلار؟ می‌دانم که الان عده‌ای چماق برمی‌دارند که نباید مادیات را با معنویات سنجید؛ که سرکوهی سبیل مبارزه و آزادی است؛ که «یک نفر در آب دست و پای دائم می‌زند» و...

اما هموطنان عزیز، بیایید نسبت به ثروت، اشتباه و کوتاه‌بینی دوران دانش‌آموزی خود را تکرار نکنیم. نمی‌گویم در مورد سرکوهی نویسد؛ بیشتر هم بنویسد! اما تو را به خدا راجع به این بدھکاری تاریخی ایران هم بنویسد. بنویسد تا همواره در یادمان بماند که نه تنها آینده ما، بلکه آینده فرزندان ما نیز در خطر است. حتی میزان بدھکاری را هم دقیقاً نمی‌دانیم. ۳۰ میلیارد است؟ ۴۰ میلیارد است؟ بیشتر است؟ چقدر بیشتر است؟

بیایید یک حساب سرانگشتی ساده بکنیم: یا ۴۰ میلیارد دلار چند بیمارستان می‌توان ساخت؟ و جان چند کودک را می‌توان نجات داد؟ یا ۴۰ میلیارد دلار چند پرستار می‌توان تربیت کرد؟ مگر نه این است که بی‌توجهی به این بدھکاری عظیم، معادل است با بی‌توجهی به جان هزاران نفر از فرزندان عزیز میهن ما که در نتیجه نداشتن بیمارستان، دارو،

نامه گروهی از متقاضیان پناهندگی در هلند

از سوی قریب ۴۸ تن از متقاضیان پناهندگی در هلند نامه‌ای برای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ارسال شده است که در آن آمده است: دوستان و رفقا، ما نیز تأسف خود را از مرگ جانگداز دوست گرامی، محمد شاکری، در سوختن ابراز می‌داریم. یادش گرامی، رفقا و دوستان آگاه و خستگی‌ناپذیر.

جریان عقب‌نشینی منتضح رژیم در برابر تعالیت جاتانه و تحسین برانگیز، انسان‌های آگاه و افکار آزاد، و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی در جوامع بین‌المللی، در جریان آزادی نویسنده عزیز و سردبیر نشریه آذینه، پس از ۴۸ روز اسارت، تأثیر عملکردهای آگاهانه، اتحاد، همبستگی و همکاری ارزشمند گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و فرهنگی، بین‌المللی، تجربه‌ای به غایت عظیم را به نتیجه‌ای بسیار پربار و مثبت رسانید و نشان داد که این فریادها بی‌نتیجه نیست و هنوز گوش‌هایی شنوایی دارند و می‌شنوند. آری تجربه‌ای بس گرانبها، آفرین.

اکنون که ما این نوشتار را برای شما می‌نویسیم، مستقر در یکی از کمپ‌های پناهندگی در هلند می‌باشیم. دوستان و رفقا: در یک سال گذشته همانطور که می‌دانید، وزارت دادگستری کشور به اصطلاح دمکراتیک هلند بعد از تصویب قطعنامه شماره ۹۵ دادگستری هلند که ایران را به عنوان یک کشور امن شناخت، تصمیم گرفت که دیگر واقعاً به عدل و عدالت و حقوق انسانی پناهندگان صحنه بگذارد و آنان را بعد از گذشت بیشتر از ۲ الی ۳ سال در یک دادگاه نمایشی و کوتاه به طور غیرانسانی به ایران بازگرداند.

الان کسانی که بیش از ۲ و ۳ سال در هلند به طور بی‌تلاکلیف زندگی می‌کنند به یک محاکمه گشاده و اکثراً بعد از دو الی سه هفته جواب منفي سوم گرفته و به زور پلیس به سفارت نانوخته، اکثر روشنفکران ایران را در جبهه متحدی قرار داد، باید در زمینه بدھی خارجی و دریافت وام نیز هرکس و هر گروه به سهم خود ابراز عقیده نماید. قطعاً این حرکت نیز از حمایت قاطبه روشنفکران و هم‌میهنان دلسوز برخوردار خواهد شد. شاید ما اختیار آن را داشته باشیم که خود را فدا کنیم، اما قطعاً اجازه قربانی کردن مصالح آینده فرزندانمان را نخواهیم داشت!

بکوشیم با بی‌برنامه‌گی و بی‌توجهی نسبت به امور مادی و اقتصادی که در فرهنگ ماتحت تأثیر عرفان ایرانی، ریشه دوانده مبارزه نماییم. پیشرفت علم نیز هنگامی میسر است که شرایط مادی و اقتصادی زمینه آن فراهم کند. آری، علم بهتر است از ثروت، اما در شرایط فقر و خرابی اقتصاد، نه علم می‌توان داشت و نه عالم!

«عرفان و توسعه» در مجله فرهنگ توسعه ۱۴ و ۱۳ محمد رضا قنبری

رژیم کشنده و آنان را مجبور به امضا اوراق سفارت تروریستی رژیم می‌کنند و خانواده و مجرد برایشان فرقی نمی‌کند و اگر کسی از این کار سرباز زند به زور مجبور می‌کند و در بعضی اوقات به زور کتک، تا اوراق را امضا کند که می‌خواهد به ایران برگردد. آری، رفقا، پناهجویان ایرانی در هلند، وجه‌المصالحه اقتصادی رژیم و دولت به اصطلاح دمکراتیک و پناهنده‌پذیر هلند قرار گرفته‌اند، به طوری که ما شنیده‌ایم حدود ۱۷ نفر در این یک سال دست به خودکشی زده‌اند، و متأسفانه ۳ نفر از آنان جان خود را از دست داده‌اند. این اعمال ننگران‌کننده، هیچ تأثیری بر عملکرد دولت مثلاً بشردوست هلند نگذاشته و بر اعمال خود پافشاری می‌کند و این حوادث را نادیده می‌گیرد. در این یک سال به طور اجبار و حثیانه حدود ۹۰ نفر به ایران بازگردانده شده‌اند و تقریباً هیچ اطلاعی از حال پناهجویان بازگردانده شده در دست نیست و جو وحشت خطرناک و نگران‌کننده‌ای پناهجویان ایرانی در کمپ‌های پناهندگی هلند را احاطه کرده است. اگر شما با همکاری همه‌جانبه توانستید رژیم دیکتاتور و مذهبی را به عقب‌نشینی وادارید، پس تا حدی هم با همکاری گروه‌ها و سازمان‌ها و ارگان‌های سیاسی و حقوق‌بشری می‌توان دولت به اصطلاح دمکراتیک هلند را از قوانین و عملکردهای غیرانسانی‌اش مجبور به عقب‌نشینی کرد و تمنا داریم که بیایید بار دیگر دست در دست هم و همکاری همه‌جانبه فریاد ما پناهجویان تحت خطر بازگشت به آغوش جنایتکار رژیم مذهبی ایران جلوگیری به عمل آوریم. منتظر عملکرد و عکس‌العمل سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و حقوقی و مخصوصاً سازمان فدائیان اکثریت هستیم تا به فریاد ما برسند. متشکریم.

سه پرسش

یکی از خوانندگان نشریه با امضا ک - حسینی از تورتو طی نامه مفصلی، به اظهار نظر و طرح سه سوال به شرح زیر پرداخته‌اند: «۱ - سیاست صدور اعلامیه مشترک با حزب دمکرات کردستان ایران مدتی است که متوقف شده بدون اینکه در این مورد توضیح داده شود. ۲ - چندی پیش روزنامه مردم اعلامیه مشترکی از سازمان و حزب توده ایران را در صفحه اول چاپ کرد، در حالی که این اعلامیه در کار سانسور شد و خبری از آن نبود. ۳ - چرا در نشریه کار اصطلاح «رژیم اسلامی» به جای جمهوری اسلامی به کار برده می‌شود جریانات اسلامی در ایران طیف وسیعی را شامل می‌شوند. کاربرد اصطلاح «رژیم اسلامی» نشان می‌دهد که سازمان مواضع خامنه‌ای و اعوان و انصار او را سمبل اسلام واقعی قلمداد می‌کند.

در پاسخ به این سوالات باید تأکید کرد: ۱ - سازمان ما برای تعمیق و گسترش مناسبات با حزب دمکرات

کردستان ایران اهمیت ویژه قائل است و تقویت رابطه حزب دمکرات کردستان ایران با سازمان‌های چپ و دمکرات سراسری در ایران را در خدمت آمل دمکراتیک مردم ایران و در راستای پیشبرد شعارهای حزب دمکرات کردستان ایران، «دموکراسی برای ایران» می‌داند ما به سهم خود در این راه فعالیت‌ها کوشیده‌ایم. کار در نظر دارد در شماره‌های آتی خود از طریق انجام مصاحبه‌ها و درج مقالاتی به توضیح و تشریح مناسبات مزبور بپردازد.

۲ - اعلامیه مشترک فوق‌الذکر با حزب توده ایران در نشریه کار سانسور نشده و در شماره ۱۴۱ آن درج شده است.

۳ - اینکه کدام یک از جریان‌ها و نیروهای مسلمان «سمبل» و نماینده اسلام راستین است، بحثی مربوط به خود جریان‌های اسلامی است و ما قاضی این کشمکش‌ها نیستیم. آنچه که ما بر آن تأکید داریم این است که هر شکل درهم‌آمیزی و پیوند دین و حکومت را مغایر موازین دمکراتیک می‌شناسیم، جمهوری اسلامی بازترین مظهر و سمبل واقعی نیروی است که عمل و اندیشه سیاسی خود را بر مبنای پیوند اسلام و حکومت قرار داده و به درستی اسلام را از مهمترین مشخصه‌های خود می‌شناسد. کاربرد اصطلاح «حکومت اسلامی» بی‌انگیز تأکید بر این خصوصیت بوده و مضمون آن بر واقعیت جمهوری اسلامی انطباق دارد.

پاسخ به برخی نامه‌های رسیده

احمد از برلین
نامه دقیق و دلنشین شما که در آن

برخی خطاهای نگارشی و تایپی نشریه تذکر داده شده بود دریافت شد. امید که بتوانیم با توجه بیشتر از نواقص موجود بکاهیم.

- فرودگاه قدیمی تهران (قلعه مرغی) در محله مهرآباد جنوبی واقع است و در این زمینه ایراد شما وارد نیست.

- از پیشنهاد و اظهار آمادگی شما استقبال می‌کنیم و از همان طریق که ذکر کرده‌اید با شما تماس خواهیم گرفت.

رفیق مسرور از دانمارک
اعتراض شما در زمینه عدم پاسخ به ترجمه ارسالی شما بجا است و از این بابت پوزش می‌خواهیم. اما در مورد اهمیت و ضرورت چاپ آن مطلب با شما موافق نیستیم. آن مطلب با آگاهی کم از وضعیت نیروهای اپوزیسیون ایرانی، مغرضانه و با پی‌گیری اهداف معینی نوشته شده بود. ضمن اینکه به خواننده ایرانی اطلاعات چندانی عرضه نمی‌کرد. از این رو از چاپ آن خودداری کردیم.

آقای محمد نوبهار - تورتو
اشعار شما با عناوین آواز و چشمه‌ساران که به فرج سرکوهی و خانواده او و نیز خانم پروین اردلان تقدیم شده بود، رسید.

ر - بهرنگ
پیشنهاد شما دایر برانجام مصاحبه با مسئولان سازمان و درخواست اینکه قبلاً خوانندگان سوالات خود را برای ما ارسال دارند، بررسی می‌کنیم و هم‌اکنون نیز اعلام می‌داریم پرسش‌های خوانندگان از ارگان‌های سازمانی را با مسئولین آن ارگان طرح خواهیم کرد و در همین صفحه پاسخ‌های آنان، درج خواهد شد.

جشن سالگرد جنبش فدائیان در تورتو

دمکرات کردستان ایران و حزب توده ایران حضور داشتند. از سوی نمایندگان این احزاب و نیز حزب کمونیست عراق پیام‌هایی در همبستگی با فدائیان خلق و برای برقراری دمکراسی در ایران قرائت شد. این جشن با اجرای ترانه‌های فارسی و کردی و اجرای آهنگ‌هایی از جمله توسط یک نوازنده السالوادوری ادامه یافت و در فضائی سرشار از صمیمیت و شور انقلابی پایان یافت.

برای بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد جنبش فدائیان خلق به همت فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تورتو - کانادا جشن باشکوهی برگزار شد. متأسفانه بر اثر بروز برخی اشکالات ارتباطی گزارش این جشن به موقع در نشریه درج نشد.

در این جشن نمایندگانی از احزاب مترقی ایرانی و کاتاندایی از جمله آقای میکال فیکه‌روآ رهبر حزب کمونیست کانادا، نمایندگانی از حزب

نوار ویدئویی جشن بیست و ششمین سالگرد

نوار چهار ساعته ویدئویی جشن بیست و ششمین سالگرد بنیانگذاری سازمان، شامل بخش‌های پرسش و پاسخ مسئولین، سخنرانی سیاسی و برنامه‌های هنری، آماده توزیع شد.

علاقتمندان می‌توانند با ارسال مبلغ ۳۰ مارک (۲۵) مارک قیمت نوار و ۵ مارک هزینه پستی/اوشناسی خورانی خود به آدرس نشریه کار سفارش دهند.

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک: ()
مدت اشتراک: شش ماه یک سال

نام: _____ تاریخ: _____
نام آدرس: _____
Address: _____

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!

بهای اشتراک "کار"

اروپا:
شش ماه - ۴۵ مارک
یک سال - ۹۰ مارک
سایر کشورها:
شش ماه - ۵۲ مارک
یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

I.G.e.v
22442032
37050198
Stadtparkasse Koeln
Germany

شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290

«ایجاد آزادراه شمال راجنایت بدون محاکمه تلقی می‌کنیم»

مطلب زیر متن نامهای است که مهلتاً مداح - مدیر عامل جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست - برای ریاست سازمان حفاظت محیط زیست ارسال کرده است. ریاست این نامه برای نشریات در داخل کشور ارسال شده است. به خاطر اطلاعات موجود در آن ما این نامه را به نقل از ماهنامه جامعه سالم در زیر درج می‌کنیم:

●●●

ریاست محترم سازمان حفاظت محیط زیست
با سلام و احترام
همانطور که استحضار دارید عملیات اجرایی آزاد راه تهران - شمال که فکر احداث آن به قبل از انقلاب بر می‌گردد، اخیراً بطور رسمی آغاز شد. جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست از ابتدای انتشار طرح مزبور در رسانه‌ها به لحاظ اندیشه برای انسان‌ها و محیط‌زیست، مجدانه در برابر آن موضعگیری کرده و متعاقب آن در تاریخ ۷۵/۷/۲۶ نقطه‌نظرهای خود را برای روزنامه همشهری ارسال می‌کند که در تاریخ ۷۵/۷/۲۷ در همان روزنامه منتشر شده است. این جمعیت بار دیگر به خاطر حیاتی بودن موضوع بر آن شده است تا از آن مقام محترم که مدیریت و مسئولیت یگانه سازمان دولتی زیست محیطی را بر عهده دارند، درخواست نماید به پرسشهای طرح شده این جمعیت که در قالب نامه‌ای سرگشاده ارسال می‌شود پاسخ مناسب داده شود تا به سهم خود بتواند فرزندان آینده‌ساز خود را متقاعد کند. تاکنون در اظهارات رسمی و غیررسمی که از جانب مسئولان دست‌انکار احداث آزادراه، ابراز شده است شاخص‌های طرح شده زیر را بیان داشته‌اند:
- اهمیت استراتژیک راه به عنوان کوتاه‌ترین فاصله با کشورهای شمالی و اروپایی.
- بالارفتن اهمیت استراتژیک کشور در منطقه به لحاظ ایجاد این ارتباط.

ایجاد ارتباط سریع به دریای خزر و استفاده از دریای خزر به عنوان ارزان‌ترین راه ارتباطی با کشورهای شمالی و اروپا.
- ایجاد طرح توسعه پایدار در گیلان و مازندران.
- ایجاد ارتباط سریع و ایمن برای استفاده از طبیعت شمال کشور.
- صرفه‌جویی در وقت تلف شده بخاطر کوتاه شدن مسیر تهران - شمال.
- تقلیل آمار تصادفات جاده‌ای در این مسیر.
- صرفه‌جویی در سوخت تا میزان حدود ۶۰ درصد.
- کاهش گازهای سمی منتج از سوخت بنزین به خاطر بالارفتن سرعت خودروها.
- اکنون در مقابل مسئولان، پرسش‌هایی در مورد اثرات مستقیم و غیر مستقیم این طرح که در اکوسیستم منطقه بر جا خواهد گذاشت به وجود می‌آید:
- به خطر افتادن یکی از مهم‌ترین صنایع تسامین آب تهران بزرگ (مشروب، کشاورزی، صنعتی و...)، تسریع روند آلودگی آب‌های دریای خزر و آثار مخرب اقتصادی - اجتماعی آن در بخش وسیعی از زندگی انسان‌ها که از طریق آن امرار معاش می‌کنند.
- اثرات استراتژیک بالا رفتن سهم کشور ما، در میان چهار کشور همجوار دریای خزر در تشدید آلودگی آب و بحران‌های زیست‌محیطی.
- اثرات مخرب اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی این طرح در شدت بخشیدن به بحران ناشی از بار جمعیتی موجود در جلگه‌های کم وسعت گیلان و مازندران.
- اثرات مخرب طبیعی این طرح در نابودی بخش وسیعی از زمینهای کشاورزی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن.
- اثرات جبران‌ناپذیر انهدام زیستگاههای باارزش گیاهی و جانوری در بخش‌های حفاظت‌شده.

دشمن چه نام دارد؟

وزالی؟

این واژه‌ها را نمی‌توان به زنجیر معانی قراردادی در «تعاریف» یا «ترجمه‌های لغوی از کتاب اللغه» بست. مدنی، ترجمه civil غربی نسبی‌ماند. این واژه‌ها، پیوندهای فرهنگی در روان و گوهر ژرف ما دارند که بیخبر از ما برمی‌خیزند. چنانکه از جامعه مدنی، که ترجمه قراردادی برای «جامعه‌ای بود که از بستر آزاد اندیشی برخاسته بود» و کسی نمی‌خواست نام‌آنها آشکارا ببرد و درست با همین «نبود مغز آزاداندیش و مستقل» کار داشت (چون خودش آنرا هیچگاه نداشت و نمی‌دانست که «چشم چگونه آنرا در مردم ایجاد کند») از درون تعاریف بیش از اندازه علمی، از تفکر پراگماتیسم آمریکایی که کمیت پول، محتوا و روشنایی حقیقت را معین می‌سازد، افق مدینه شهر پیغمبر اسلام از دور هویدا شد. این واژه‌ها تاریخ و فرهنگ هزاران ساله ما را بیخبر از ما در ما بدوش می‌کشند. ولی اکنون میان «جامعه مدنی» و «جامعه شهری» و «جامعه پهلوی» کدام را باید برگزید؟ آنچه ایده‌آل فرهنگ مردمی ایران بوده است که سه هزار سال است از خودی و بیگانه فروکوبیده شده است، جامعه پهلویست. ولی از روزیکه خانواده رضا شاه چنین نام خانوادگی را برداشته است که درست از متن فرهنگ می‌ترائی - سپاهی بیرون آمده است و مردم هزارها خاموش با این فرهنگ بنام «ضحاک» جنگیده‌اند و زنان برای این پیروزی خود بر ضحاک، «جشن مهرگان» بنیاد گذاشته‌اند، بهترین اصطلاح ما آلوده و ناپاک شده است. چنانچه همین میترا (یا ضحاک)

اثرات سوداگری زمین بر اقتصاد منطقه.
- تشدید تصاعدی خطر سیلابها در دامنه‌های شمالی و جنوبی کوههای البرز بر سایر منابع فیزیکی و زیستی.
- تشدید فرآیندهای متفاوت فرسایشی نظیر لغزش - ریزش - سقوط بهممن و... در آب‌خیزها و ریزآب‌خیزها از نظر حساس بودن بستر طبیعی منطقه طرح.
- اثرات هزلناک زلزله‌های احتمالی به خاطر قرار داشتن این منطقه در ناحیه تخریب شدید.
- اثرات تخریبی طبیعی و اقتصادی گیاهان مرتعی که در صنایع پزشکی و زیست‌شناسی جایگاه باارزشی دارند.
- اثرات تخریبی اقتصادی که بر جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست تا زمانی که نسبت به پرسشهای فوق‌الذکر پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای دریافت نکرده، ایجاد آزاد راه شمال را جنایتی بی‌محاکمه تلقی خواهد کرد.
- قطعه‌زمینی بنام «ایران» را ما از گذشتگان به ارث برده‌ایم، بلکه آن را به امانت به دست‌مان سپرده‌اند تا پاک و نیالوده به آیندگان تقدیم کنیم. آیا آنچه قرار است امروز بر سر باقی‌مانده این منابع باارزش بیاید، رو است؟
- آیا این منابع بایستی تخریب شوند و گریزی از آن نیست؟
- آیا بیهای آنچه از دست می‌دهیم با آنچه گفته می‌شود که به دست خواهد آمد، برابر است؟
- آیا نبایستی از کفران نعمتی که به ما ارزانی شده‌اند، در پیشگاه حق تعالی شرمین باشیم؟
- آیا ما نیز نبایستی بخاطر این کفران عظیم از آیندگان طلب مغفرت کنیم؟

۲۵ نوامبر ۱۹۹۶

سودجویی به بهای نابودی محیط زیست

وارد می‌شود باید از ایلاف سولوزی، آلوماسید، قلیا، مواد پاک‌کننده ضد کف، مواد حلقوی سمی نظیر کلوفنل، تافل و لینگن که از فرآیند شستشوی خمیر کاغذ پرس و خازن خمیر بوجود می‌آید، نام برد.
مواد سمی فوق با آلوده کردن آب‌های رودخانه اردجان و نوکنده، حیات آبیان دریای خزر را نیز به خطر انداخته و تخریب ماهیان این منطقه را غیر ممکن کرده است. بر اساس آخرین آزمایشات تحقیقاتی محیط زیست گسیلان، میزان مواد



آلوده کننده فاضلاب این کارخانه منطقه وسیعی از سطح دریای خزر را ارغوانی کرده است. اهالی روستاهای مجاور از آب آلوده رودخانه‌ها برای شرب استفاده می‌کنند و از این طریق سلامتی آنان بشدت در خطر است. تاکنون احشام زیادی بر اثر مصرف مستقیم آبهای آلوده تلف شده‌اند. پراکنده شدن بیش از ۳۰ تن گاز سمی فاضلاب این کارخانه به آب‌های جاری

بر اساس گزارش کارشناسان، شرکت چوب و کاغذ ایران (چوکا) با تولید روزانه ۱۴۰۰ متر مکعب فاضلاب و ۳۰ تن گاز سمی یکی از بزرگترین کارخانه‌های آلوده کننده محیط زیست می‌باشد. فاضلاب این کارخانه که در شمال کشور قرار دارد با ترکیبات عمده سود سولفور سدیم و کلسیم وارد آب‌های جاری منطقه می‌شود. از دیگر موادی که توسط فاضلاب این کارخانه به آب‌های جاری



در میان این دو وجود دارد. این نظامها همگی دارای ساختار کاملاً مشخص و منحصر به فرد بوده و پدیدایشان در کل ضروری و جبری است، و چون ضروری و جبری است پس ترقیخواهانه است. به نظر می‌رسد که دانش معاصر هنوز دلیلی بدست نیاورده است تا اساس تئوری مارکس و انگلس در زمینه پوشش عمومی تاریخ را با خطر روبرو کند. بسیاری از دانشمندان مخالف سوسیالیسم و مارکسیسم نیز در بررسی تاریخ و نیروهای انگیزنده آن کمابیش از نظریه تاریخی مارکس و انگلس بهره می‌گیرند. اما در زمینه ترکیب و ترتیب ساختارهای تاریخی و چگونگی پیدایش و پایان یابی آنها بحث فراوان است. مثلاً این دید که سیر تاریخ یک سیر تکاملی از ساده به بغرنج است بر همه دانش جامعه‌شناسی و تاریخ چیره شده است. اما در این که آیا می‌توان روند عمده جامعه‌شناسی را برده‌داری ارزیابی کرد یا نه تفاوت نظر بسیار است. در نگاه نخست به نظر می‌رسد که تاریخ بغرنج بشری نمی‌توانست با همان نظم و انضباط فلسفه آلمانی راه خود را به سوی امروز ببیماید. واقعیت این است که در جهانی تاریخی مارکسیسم تنها فلسفه بر واقعیت انطباق نیافته، بلکه واقعیت نیز به نوبه خود بر نظم فلسفه منطبق شده است. هیچ فیلسوفی در طول تاریخ نتوانسته است با همه بی‌نظمی‌های منطق شکن واقعیت عینی آشتی کند. از این رو این فیلسوفان (بجز برخی از شکاکین) همواره نظمی بیش از حد واقعاً شناخته شده را به روندهای عینی نسبت داده‌اند و به نسبت بزرگی خود تحمیلیهای بزرگتری را به واقعیت روا داشته‌اند. هگل - این آموزگار بزرگ دیالکتیک - یکی از این بزرگان است که نه تنها نظمی عقلانی را کاملاً به نظام هستی تحمیل کرده بلکه اصلاً عقل (روح) را بر جهان حاکم و پیش‌آماج و پس‌آماج جهان را کاملاً عقلانی اعلام کرده است. مارکس دانشمند نیز، آنجا که آینه فلسفه را پیش روی جهان می‌گذارد، صافی نظم‌افکن را همراه دارد.

افزایش داده است. وجود این گازهای بسدبو در فضای منطقه موجبات رنجوری و عوارض روحی، سوء تغذیه و فرسایش جسمی ساکنین را فراهم شده است.
آزادسازی گازهای اکسید گوگرد بر روی گیاهان و ساختمانها نیز تاثیر مخرب می‌گذارد. در یک بررسی ثابت شد که گازهای حاصله در ترکیب بارش هوا بیشتر از ۵۰ برابر در پیوسیدگی حلیلی‌های شیروانی منازل، تخریب ترانسفورموتورها و سیستمهای انتقال برق این منطقه تاثیرگذارند. همچنین بر اساس گزارش کارشناسان جنگل و منابع طبیعی، شرکت چوکا سالانه ۵۲۰ هزار متر مکعب از درختان جنگلی منطقه را بدون کاشت و جایگزینی، قطع و مورد استفاده قرار می‌دهد. بهره‌برداری و قطع درختان در گردنه‌ها و شیب‌های تند، که امکان احیا و جایگزینی نیز ندارند، موجب آسیب دیدگی خاک و تسریع روند فرسایش و خاکشویی توسط باران می‌شود. شرکت چوکا در نقاطی هم که اقدام به جایگزینی می‌نماید توجهی به شرایط آب و هوایی منطقه ندارد. این شرکت درختان پهن برگ مانند افرا، راش، بلوط را قطع کرده و بجای آن درختان برگ‌سوزنی می‌کارد. این درختان نیاز زیادی به آفتاب دارند و در شرایط اقلیمی شمال کشور رشد مناسب نخواهند کرد.
مسئولین شرکت چوب و کاغذ ایران (چوکا) اثرات مخرب و آلوده کننده این کارخانه را انکار کرده و حاضر به تغییر روش خود نیستند.

در آستانه امروز

ادامه از صفحه ۸

پرونده‌های اجتماعی، سیاسی، و معنوی انسان‌هاست. شعور انسانها هستی آنان را تعیین نمی‌کند، بلکه برعکس هستی اجتماعی انسان‌هاست که شعور آنان را تعیین می‌کند. نیروهای مولده مادی جامعه در مرحله معینی از تکامل خود با مناسبات تولیدی یا با مناسبات مالکیتی که تاکنون در درون آن تکامل می‌یافتند، تضاد برقرار می‌کنند (و مناسبات مالکیت، چیزی جز بنیان حقوقی مناسبات تولیدی نیست). این مناسبات از شکل تکامل نیروهای مولده به پای‌بند تکامل آنها بدل می‌شوند و آنگاه دوران انقلاب اجتماعی فرا می‌رسد. با تغییر پایه اقتصادی، سرتاسر روینای عظیم نیز دیر یا زود دگرگون می‌شود. هنگام بررسی این دگرگونیها، همواره باید دگرگونی مادی در شرایط اقتصادی تولید را که با دقت علوم طبیعی قابل تعیین است از اشکال حقوقی، سیاسی، مذهبی، هنری و یا فلسفی، خلاصه از اشکال مسلکی که انسانها این تضادم را در قالب آنها دریافته‌اند و علیه آنها مبارزه می‌کنند تمیز داد...». «شیوه‌های تولیدی آسیایی، باستانی، فئودالی و معاصر، بورژوازی را می‌توان بطور کلی دورانهای مترقی فرامیوسن های اقتصادی اجتماعی شمرد» (نقد اقتصاد سیاسی - کارل مارکس)
در همین راستا و در پی شیوه تولید بورژوازی است که شیوه تولید سوسیالیستی و سرانجام نظام کامل کمونیستی بر پایه ضرورت و جبر تاریخ پدیدار می‌شوند. لنین در این باره می‌گوید:
«مارکس ناگزیری تبدیل جامعه سرمایه‌داری به سوسیالیسم را، تماماً و صرفاً از قانون اقتصادی حرکت جامعه معاصر نتیجه می‌گیرد... اجتماعی شدن تولید نمی‌تواند به انتقال وسایل تولید به مالکیت جامعه، یعنی به سلب مالکیت از سلب کنندگان مالکیت منجر نشود». (اشار مستخب - جلد اول - کارل مارکس - ترجمه پورخرمزان) - بسدبنگونه، دو نظام کامل کمونیستی در دو سر تاریخ و سه نظام طبقاتی (بدون احتساب شیوه تولید

ادامه دارد

آلبانی: جنگ قدرت در راه است

طی روزهای گذشته دامنه شورشهای مسلحانه مردم جنوب آلبانی پایتخت این کشور را نیز فرا گرفت. «بریشا» رئیس جمهور فعلی و پزشک خصوصی انورخوجه برای نجات از «آنارشی» و «هرج و مرج»، همه نیروهای اپوزیسیون را دعوت به تشکیل دولت وفاق ملی نمود. این دولت با مسئولیت «فینو» رهبر حزب سوسیالیست تشکیل گردید و تلاشهای همهجانبه‌ای را برای خروج از وضعیت موجود آغاز نمود. وی طی مذاکراتی با صدراعظم سابق اتریش «ورانیسکی» و نماینده OSCE شرایط را برای دریافت کمک‌های مالی و اعزام نیروهای پلیس بین‌المللی برای «حفظ امنیت» این کشور آماده ساخت. شورشیان جنوب آلبانی که خواستار برکناری بریشا هستند طی مذاکراتی با دولت فینو به رسمیت شناخته شدند و از دولت فینو قول انجام انتخابات آزاد را دریافت نمودند.

در روزهای بحرانی تیرانا، رهبر حزب سوسیالیست آلبانی نیز از زندان آزاد گردید. ناظران معتقدند در صورت انجام انتخابات آزاد در آلبانی فینو رهبر حزب سوسیالیست آلبانی از شانس زیادی برای بدست گرفتن حکومت در این کشور برخوردارند و نبرد آتی قدرت بین بریشا و حزب سوسیالیست خواهد بود از هم اکنون با به رسمیت شناختن شورش و مذاکره فینو با آنان رابطه بریشا و دولت بحرانی گردیده است.

مرگ پناهجویان آلبانیایی در سواحل ایتالیا

با آغاز بحران اخیر، هزاران نفر از مردم آلبانی از طریق راه دریا به ایتالیا پناهنده شدند. دولت ایتالیا در جنوب آن کشور وضعیت فوق‌العاده اعلام نمود و با اعزام ناوهای جنگی از ورود مهاجرین به آن کشور جلوگیری کرد. روز جمعه گذشته یکی از ناوهای نیروی دریایی ایتالیا طی مانوری که به منظور جلوگیری از ورود مهاجرین انجام می‌داد به یکی از کشتی‌های قدیمی که بیش از صد آلبانیایی را در خود جا داده بود برخورد کرد و ۷۹ نفر از پناهجویان در آبهای ساحل «بریندیسی» ایتالیا غرق شدند. این حادثه باعث خشم مردم و بسیاری از نیروهای دمکرات ایتالیا گردید. حزب سبزا و حزب احیای کمونیستی خواستار سرچیدن هرچه سریع‌تر موانع دریایی و تشکیل کمیونی جهت رسیدگی به این حادثه شدند و در آلبانی عزای عمومی اعلام شد.

نتان یاهو، به جای صلح و امنیت، خشونت در می‌کند

عنوان یک شریک برابر در مذاکرات بپذیرد، تا چه حد جدی است. واقعیت این است که تشکیل دولت خودمختار فلسطینی به مرکزیت بیت‌المقدس خواسته‌ای است که مقامات خودمختار فلسطینی بدون مبارزه برای آن قادر نیستند که تایید مردم فلسطین را داشته باشند. و از طرفی دولت‌های متفاوت در اسرائیل به دلایل مذهبی و خودکامگی حاضر به عقب‌نشینی کامل و پذیرفتن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت فلسطین نیستند.

بهبایی که اسرائیل برای نپذیرفتن صلح می‌پردازد، عدم امنیت حتی در قلب شهرهایش می‌باشد. یکسال پس از وعده‌های انتخاباتی نتان یاهو در اسرائیل از صلح و امنیت اثری دیده نمی‌شود.

اتحادی که از

هم اکنون زیر

سؤال است

یک سال بعد از امضای قرارداد همکاری‌های همه‌جانبه بین روسیه و روسیه سفید، قرارداد تشکیل اتحادیه‌ای از دو کشور بین یلتسین و لوجانکو به امضا رسید. در قرارداد جدید هنوز موارد زیادی ناروشن مانده‌اند، از جمله این موضوع که آیا دو کشور، کشور یگانه تشکیل می‌دهند یا هر کدام استقلال خود را حفظ می‌کنند. مطابق این قرارداد یک شورای عالی مرکب از رؤسای جمهور، نخست‌وزیران و رؤسای مجلس دو کشور تشکیل می‌شود. قرار است که این شورا در سطح بین‌المللی اختیارات وسیع مذاکرات و بستن قراردادهای داشته باشد.

این قرارداد در مجلس ملی به بحث گذاشته نخواهد شد. اظهار نظرهای می‌تواند در مورد این قرارداد در مطبوعات منعکس شود ولی هیچ تعهدی برای دولت‌ها ایجاد نخواهد کرد. برای تصویب تشکیل این اتحادیه رفراندومی پیش‌بینی نشده است. نحوه پیشبرد مذاکرات و امضای این قرارداد، مورد انتقاد شدید دمکرات‌ها در روسیه قرار گرفت؛ یاولینسکی رهبر حزب «پاپ لوک» در ایزوستیا می‌نویسد: «تا زمانی که در روسیه سفید، آزادی اپوزیسیون موجود نیست، مطبوعات آزاد وجود ندارد و رژیم غیردمکراتیک حاکم است، از اتحاد سیاسی دو کشور نمی‌تواند صحبتی به میان آید».

قرارداد همکاری که سال گذشته بین دو کشور به امضا رسید، عملاً در بسیاری از زمینه‌ها روی کاغذ باقی ماند. لوجانکو با امضای قرارداد اتحاد و بدست آوردن امتیاز حق عبور لوله نفت روسیه و گرفتن امتیازات سیاسی امیدوار است که موقعیت رژیم خود را تحکیم بخشد. از طرفی احتمال فشار اقتصادی این قرارداد برای روسیه، در این کشور که از وضع اقتصادی وخیمی برخوردار است، مورد مخالفت مردم است. در روسیه سفید نیز، اپوزیسیون از اینکه این کشور عملاً تحت تسلط روسیه قرار گیرد، نگران می‌باشد. آینده این اتحاد از هم اکنون ناروشن است.

از روی کار آمدن نتان یاهو ۲۲ کشور عربی اراده واحدی را به نمایش می‌گذارند. اکنون بیم آن می‌رود که روندی که در سال ۹۱ با کنفرانس مادرید آغاز گشت به بن‌بست رسیده باشد. در قرارداد اسلو سوالات اساسی پیرامون موارد اختلاف اسرائیل و فلسطین از جمله سرنوشت بیت‌المقدس، از زمان بندی عقب‌نشینی ارتش اسرائیل بی‌پاسخ ماند و عملاً مطابق میل اسرائیل پیش رفت. حمایت آمریکا از سیاست‌های نتان یاهو که آخرین تجلی آن تسوی محکومیت اسرائیل در شورای امنیت بود، دو طرف قرارداد صلح را، یکی به شکل غالب و دیگری مغلوب نمایان تر ساخت. اصولاً آن تغییرات که اسرائیل را ملزم کند که از نقش اشغالگر نظامی ۳۰ ساله به درآید و فلسطینی‌ها را به

شهزک‌های یهودی‌نشین در منطقه عربی‌نشین بیت‌المقدس است، که فلسطینی‌ها امیدوار بودند روزی پایتخت حکومت خودمختار فلسطین شود. این آخرین ضربه خارج از تحمل فلسطینی‌ها و آغاز سرریز خشم آنان بود. در دو هفته گذشته، درگیری‌های وسیعی در مناطق اشغالی بین جوانان فلسطینی و سربازان اسرائیلی رخ داد و روندی مشابه انتفاضه در چشم‌انداز قرار گرفت.

پس از وقایع اخیر وزرای خارجه ۲۲ کشور عربی در قاهره گرد آمدند تا به بررسی تحولات اخیر بپردازند. آنان طی بیانیه‌ای آمادگی خود را برای به تعویق درآوردن روابط اقتصادی - سیاسی و فرهنگی اعلام نمودند. گرچه این بیانیه الزام عملی کشورهای عربی را به اجرای بیانیه ایجاد نمی‌کند، اما بیانگر آن است که برای اولین بار پس

اجرای قرارداد صلح اسلو، به دلیل سیاست‌های نتان یاهو نخست‌وزیر دست راستی اسرائیل و خشونت‌های پیامد این سیاست هر روز دورنمای تیره‌تری می‌یابد.

یک‌سال پیش، نتان یاهو در تبلیغات انتخاباتی خود با شعار صلح و امنیت، بیش از ۵۰ درصد مردم اسرائیل را متقاعد کرد که به امنیت و صلح به روایت حزب لیکود رای بدهند. سیاست‌های حزب دست راستی لیکود در این مدت مسکوت‌گذاشتن عقب‌نشینی نیروهای نظامی اسرائیل از مناطق اشغالی، به رسمیت نشناختن اختیارات مقامات خودمختار فلسطین، بی‌اعتنائی به ندهای صلح‌طلبانه در صفوف اسرائیلی‌ها و اقدامات مشابه در راستای ویرانی بنای نیماز و متزلزل صلح اسلو بوده است. آخرین اقدام تحریک‌آمیز نتان یاهو، ساختن

وضعیت جدید سیاسی در نیجریه

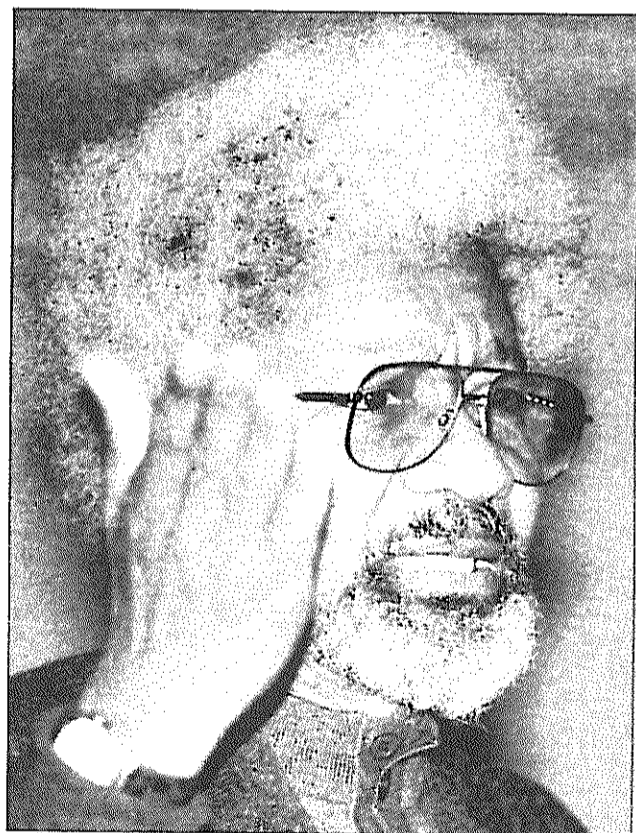
تقاضای حکم اعدام برای ووله سونیکا برنده جایزه ادبیات نوبل از سوی نظامیان حاکم

مبارزان سیاسی پراسابقه و از نسل مبارزان دهه ۶۰ و از رهبران مبارزات استقلال نیجریه است که در مذاکرات آن زمان با دولت استعماری بریتانیا شرکت داشت. پس از استقلال جزو مخالفان رژیم حاکم وقت بوده

در نیجریه مقاومت در مقابل دیکتاتوری نظامی آجاچا به وضعیت جدیدی فراروید است. دولت نیجریه از «آنارشی» و «هرج و مرج» صحبت می‌کند. در غرب کشور ۱۲۷ تن از کارکنان شرکت نفتی شل، که امتیاز بهره‌برداری از نفت نیجریه را دارد، به گروگان گرفته شدند و پس از چندین روز مذاکره آزاد گشتند. در کشور نیجریه، یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت در دنیا، مقاومت در مقابل دیکتاتوری نظامی با مخالفت با شرکت نفتی شل همراه است. شرکت شل بععلت نوع بهره‌برداری، مسبب وسیعترین میزان آلودگی محیط زیست و نابودی کشاورزی و امکان زندگی و متعاقب آن آوارگی دهها هزارتن می‌باشد.

دولت نظامی نیجریه که در ژوئن سال ۹۳ بعد از لغو انتخابات آزاد ریاست جمهوری قدرت را بدست گرفت با ترور و اعدام مخالفین به حکومت خود ادامه می‌دهد. اخیراً پس از یکسری بسبب‌گذاری‌ها، دولت قانون منع عبور و مرور شبانه صادر کرد و به نیروهای نظامی اجازه داد که به روی افراد در صورت عدم اجرای دستور، آتش بکشایند.

از ۱۲ مارس پانزده تن از رهبران اپوزیسیون نیجریه به جرم «توطئه» و شرکت در «بسمب‌گذاری در مراکز نظامی» در دادگاه محاکمه می‌شوند و به جرم «خیانت» مجازات مرگ برای آنان تعیین شده است. از این ۱۵ تن، دو تن در نیجریه زندانی هستند و بقیه در مهاجرت بسر می‌برند. یکی از این ۱۵ تن، ووله سونیکا نویسنده بزرگ این کشور، و دارنده جایزه نوبل ادبی می‌باشد. او از سال ۹۳ و پس از کودتای آباخاز در خارج بسر می‌رود و سخنگوی سیاسی گروه اپوزیسیون «شورای رهایی ملی نیجریه» است. او در مصاحبه‌ای در مورد احتمال بروز خشونت در مبارزات به دلیل ناامیدی نیروهای دمکرات از روند صلح آمیز هشدار داده بود. ووله سونیکا از طرفداران تحریم رژیم نظامی حاکم بر نیجریه است. آنتونی آناهوورو ۷۳ ساله یکی دیگر از ۱۵ تن است. او یکی از



و توسط این رژیم به زندان افتاد. آناهوورو از رهبران «جبهه نیروهای دمکرات» است که برای به رسمیت شناختن نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۳ که در آن ایولا به پیروزی رسید مبارزه می‌کند. او در مصاحبه‌ای در مورد انتخابات شهرداریها چنین گفت: «رژیم حاکم یک رژیم غیرقانونی است. علاوه برآن اپوزیسیون دمکرات امکان شرکت در انتخابات را نداشت و مردم مجبور شدند که پای صندوق‌های رای بروند. کسی که می‌خواهد در بیمارستان بستری شود و یا فرزندان

۱۸ سال هستند، این امر بمعنای آنست که حتی ۵۰ میلیون نیجریه‌ای صاحب‌حق رای نیستند، در حالی که کمیسیون انتخابات صحبت از ۶۵ میلیون رای‌دهنده می‌کند»؛ چندی پیش مجمع عمومی کشورهای اتحادیه اروپا و کشورهای AKP (کشورهای مستعمره سابق اروپا که در آفریقا، کارائیب و پاسیفیک قرار دارند و دارای روابط ویژه‌ای با دولت‌های اروپائی‌اند) دولت نیجریه را به دلیل نقض شدید حقوق بشر شدیداً محکوم کردند و برای اولین بار خواستار تحریم نفتی نیجریه شد.



زنان آلبانیایی در بندر فلوره در غم از دست دادن خویشان خود مویه می‌کنند

صدمین روز گروگانگیری در لیما

بیش از صد روز از گروگانگیری در سفارت ژاپن توسط چریک‌های توپاک آمارو می‌گذرد. در این مدت با وجود تلاشهای بین‌المللی، دولت پرو، همچنان از هر گونه مذاکره‌ای در مورد رهایی اعضای زندانی توپاک آمارو که در زندانهای امنیتی پرو اسیرند، سر باز می‌زند. آب و برق به روی چریک‌ها و گروگانها از همان اولین روز گروگانگیری قطع شد. کمیته‌ای وابسته به صلیب سرخ، غذا و آب را به داخل سفارت می‌برد. قطع ملاقات در زندانها هنوز ادامه دارد و دولت به هیچ هیئت بین‌المللی اجازه ملاقات از زندانها را نداده است.

هفته گذشته کمیته بین‌المللی تشکیل شده وابسته به صلیب سرخ تحت نظارت سفیر کانادا پیشنهادهایی را به دو طرف ارائه داد. از جمله توپاک آمارو از آزادی ۴۵۰ تن وابستگان خود صرف‌نظر کند، بجای آن افرادی که به دلایل جزئی به حبس‌های درازمدت محکوم شده‌اند، آزاد شوند، ملاقاتها برقرار شود، شرایط در زندانها بهبود یابد، چریک‌هایی که در عملیات گروگانگیری شرکت داشته‌اند از هر گونه تعقیب مصون بمانند و به یک کشور امن مانند کوبا یا دومینکن بروند.